

شیر وانی - چیزی که به کمیسیون احوال شد دو قسمت بود یکی طرح قانونی راجع به تجدید نظر در قانون استخدام یکی هم طرح پیشنهادی آقای یاسائی راجع باین دو سه ماده مخصوص و بمقتضای ماده اصلاح تجدید نظر در قانون استخدام برای همین دو ماده بوده است که اسباب زحمت و اشکال شده بود و همین دو ماده بود که چند روز قبل اسباب اختلاف بین آقای تدین و وزیر مالیه شد و ایشان نظرشان این بود که این ماده باید شکل دیگر تفسیر شود و وزیر مالیه هم نظرشان طور دیگر بود و بالاخره حل نشد و همینطور مسئله بودجه مختل ماند و وزارتخانهها هم مطابق میلشان هر کدام مواد را تفسیر می کنند وزارت مالیه یک طور - وزارت خارجه طور دیگر - و همینطور سایر وزارتخانهها این است که بنده کاملاً مخالف با خروج از دستور هستم .

آقایان ممکن است طرح را مطالعه نکرده باشند ولی من الان قانون را نگاه کردم .

دیدم چیز خیلی مشکلی نیست اینجادرش حرف زده میشود و بالاخره تکلیف دولت و وزارتخانهها معلوم میشود که چه باید بکنند - فرض بفرمائید الان بودجه سال آتی را می خواهند بیاورند به مجلس .

آخر از روی چه ترتیبی تطبیق کنند با قانون استخدام زیرا الان این ماده معطل اختلاف است بین دولت و مجلس لهذا بنده موافق که همین امروز در مجلس مطرح شده و زودتر تکلیف دولت معلوم شود .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شریعت زاده برای خروج از دستور آقایانیکه موافقت فرمایند .

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

لایحه معافیت ماشینهای فلاحتی و صنعتی از تأدیبه حقوق گمرکی مطرح است شور دومش است .

ماده اول قرائت می شود .

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول - کلیه ماشینهای فلاحتی و صنعتی و یا قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود .

تبصره - معافیت فوق شامل ماشینهای ذیل و قطعات آنها نیست .

ماشینهای خیاطی ، قیطان دوزی ، فلاپ دوزی ، ماشین آژور ، ماشینهای طبع ، گراور و صحافی ، ماشینهای توتون بری و گیلز سازی ، ماشینهای جوراب بافی ، ماشینهای مربوط بطبع خبر از کمیسیون قوانین مالیه بمجلس شورای ملی ، کمیسیون قوانین مالیه در جلسه ۱۴ جدی ماده الحاقیه پیشنهادی آقای تقی زاده را که راجع بمعافیت وسایل نقلیه چرخ دار بود مورد مطالعه قرار داده بترتیب

ذیل برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

بار کشهای موتوردار مطلقاً و تومبیل های سواری در صورتیکه قسمت آنها بیشتر از هزار تومان نباشد از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهند بود .

رئیس - (خطاب بداور مخبر کمیسیون قوه انبساطیه) این خبر ثانوی ماده علیحده است که پیشنهاد کرده اید .

مخبر - بلی درشوراول پیشنهادی از طرف عده از آقایان نمایندگان مخصوصاً از طرف آقای تقی زاده تقدیم شد و کمیسیون ارجاع شد راجع باینکه ماشینهای چرخ دار و وسایل حمل و نقل موتوردار - از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد .

در کمیسیون هم اینطور تصمیم گرفته شد که معافیت برای کامیون و اتوموبیل های بارکش فراهم و از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد .

عده از اعضای کمیسیون هم پیشنهاد کردند . راجع باتوموبیل که آنهم جزو وسایل نقلیه چرخ دار است و باید معاف شود این بود که کمیسیون اینطور تصمیم گرفت اتوموبیل هائیکه قیمت آن تا هزار تومان باشد آنها از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشند و از اتوموبیل هائیکه بیشتر قیمت دارد و تحملی است حقوق گمرکی گرفته شود و بالاخره این راپرت تهیه و تقدیم شد .

رئیس - مقصود بنده این است که این ماده یکی باید ضمیمه شود ؟ ماده اول بشود - یا ماده دوم ؟ داور ماده دوم

رئیس - قسمت دیگر این راپرت چطور ماده سوم باید بشود ؟

داور - بلی قسمت دومش باید ماده سوم بشود .

رئیس - بالفعل ماده اول مطرح است دوباره قرائت میشود .

(بشرح سابق بدون تبصره قرائت شد)

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اینجا نوشته شده است کلیه ماشینهای فلاحتی و صنعتی و یا قطعات آنها یک قسم ادواتی هست که اصطلاحاً بآنها ماشین گفته نمیشود ولی آنها هم برای فلاحتی خیلی لازم است و در نظرهم هست که آنها معاف باشند .

بنابراین بهترین بود که اینطور نوشته می شد (پیشنهادی هم تقدیم نموده ام در این زمینه) کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی - مثلاً یک قسم داسهائی هست که برای امر فلاحتی خیلی لازم است و نمیشود بآنها گفت ماشین - در هر صورت نظر بنده این است که آنها هم

از حقوق گمرکی معاف باشد و بطور کلی نوشته شود کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و صنعتی - اینطور بهتر خواهد بود

مخبر - کمیسیون با نظر آقای یاسائی موافقت دارد که ادوات هم نوشته شود .

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم اجازه میفرمائید ؟

رئیس - موافقیکه پیشنهادها قرائت میشود آنوقت ممکن است بفرمائید آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده با اصل ماده موافقم .

رئیس - آقای اخگر

اخگر - موافقم .

رئیس - آقای محمد ولی میرزا چطور ؟

محمد ولی میرزا - موافقم

رئیس - آقای اجاق

اجاق - بنده هم موافقم .

رئیس - آقای طهرانی - شما هم موافقت ؟

آقاسید محمد علی طهرانی - بنده با قبول کردن مخبر موافقم .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود . (بشرح آتی قرائت شد)

۱ - بنده پیشنهاد میکنم ماده اول باینطور اصلاح شود .

کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و صنعتی و یا قطعات آنها - البتة آخر - یاسائی

۲ - حقیر پیشنهاد مینمایم که ماشینهای طبع گراور و صحافی نیز از حقوق ورودی گمرک معاف گردد . ضیاء الواعظین

رئیس - آقای یاسائی که توضیحی ندارند .

یاسائی - خیر قبلاً توضیح دادم

مخبر - پیشنهاد آقای یاسائی یک مرتبه دیگر قرائت شود (بشرح فوق قرائت شد)

مخبر - بنده در قسمت راجع بفلاحتی موافقم که ادوات فلاحتی اضافه شود ولی راجع بقسمت صنعتی قبول نمیکنم زیرا آنوقت باعث میشود که تمام ادوات صنعتی را از خارجه بدون تأدیبه حقوق گمرکی وارد نمایند .

یاسائی - بنده هم قبول میکنم همان ادوات فلاحتی نوشته شود .

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده در این خصوص توضیح زیادی لازم نمی دانم . غالب آقایان متوجه هستند که شه های ایران چقدر محتاج است بماشین های طبع و گراور و صحافی و برای تعمیم معارف و

نشر و بشارت علوم چقدر اهمیت دارد در غالب شهر های ایران هنوز ماشین های سنگی و دستی دایر است .

در شهر مثل دوسه روزنامه هست که بماشین سنگی طبع می شود و هنوز وسایل طبع حروف برایشان فراهم نیست این هست که بنده پیش نهاد کردم بماشین طبع و صحافی و گراور از حقوق گمرکی معاف باشند قیمت مهمی هم ندارد . و بمقتضای بنده اگر آقای مخبر بآن شوق و رغبت که در ترویج و تعمیم معارف دارند قبول کنند خیلی خوب است .

مخبر - بنده خیلی تشکر میکنم از اظهار لطفی که آقای تدین دارند و نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم چه بفال ماشین ها و جزه هائیکه از ارزو بامر آید غیر از شاه تحمل آتیه هم طرف احتیاج مردم است و هر کدام يك منافعه و خواصی دارد ولی اگر اینها راجع بفلاحتی و صنعتی بخصوص يك توجه خاصی شده است بای این است که مردم شوق پیدا کنند از این ماشینها بیاورند و با اقتصادیات مملکت کمک کنند تا ترقی کنند .

ولی در ضمن باید مواظب بود که عادات دولت هم که يك قسمت از آن هستند گمرکی است که بشود و از طرف دیگر راجع بماشین های طبع غیره همین ماشین هائی که داخل در آن شده است و مردم بآن عادت کرده اند بالاخره خودش در عمل تولیدك حسن رفاهت می کند و آنها هم که حالا بماشین های دستی کار می کنند دستگاهها را می فروشند و دستگاه ماشینی جدید وارد کنند و تصور می کنند در این خصوص همان رفاهت تجارتی آنها را تشویق می کند که ماشین طبع و گراور و صحافی بیاورند .

الان هم خیلی زیاد است و در بعضی جاها هم کم ندارند . گمرک هم بدهند هیچ اهمیتی ندارد .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین

آقاسید یعقوب - بنده نسبت پیش نهاد آقای یاسائی عرض نکردم بخالفم ؟

رئیس - این پیش نهاد آقای ضیاء الواعظین است .

پیشنهاد آقای یاسائی را مخبر قبول کردند عضو کمیسیون هم گویا بنا بشد رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیش نهاد آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . ماده اول قرائت می شود و رأی می گیریم . (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و یا قطعات آنها و ماشین های صنعتی و یا قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون

تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود.

قدیم بنده پیشنهاد اصلاحی دارم.

رئیس - بفرمائید.

قدیم - این جا نوشته شده است کلیه ماشین ها و ادوات فلاحتی و یا قطعات آنها.

بنده عقیده ام این است نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آن چون ممکن است از عبارت ماشین ها و ادوات فلاحتی معنی درست استفاده نشود و اگر نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آن بهتر خواهد بود.

رئیس - ماشین های فلاحتی و ادوات (بعضی از نمایندگان صعب است) پاسائی - اجازه میفرمائید رئیس - اگر اصلاح عبارتی دارید بنویسد.

پاسائی - آن ترتیبی که آقای تدین فرمودند بمقتضای بنده بیشتر اشتباه میشود اگر نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آن ممکن است تعبیر شود با ادوات همان ماشین.

در صورتیکه مقصود بنده که پیش نهاد کردم و آقای مخیر هم که قبول کردند ادواتی است که مربوط بامر فلاحتی از قبیل داس و غیره که عرض کردم و این ترتیبی که آقای رئیس فرمودند بهتر است.

مخیر - ممکن است نوشته شود: کلیه ماشین های فلاحتی و ادوات فلاحتی و قطعات آنها.

رئیس - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود.

بنده پیش نهاد می کنم که عبارت بدون ادوات فلاحتی نوشته شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب بفرمائید آقا سید یعقوب - آقایان بنده حمله نفرمایند ما باید در جهت افراط و تفریط واقع نشویم.

ماشین را هنوز در ایران درست نمیتوانند بسازند این است که می گوئیم باید آنها را از خارجه بیآورند بنده هم موافقم که هر طور باشد باید وسایل تسهیل ورود این ماشین ها را فراهم کرد.

آقای دیگر نمیتوانیم دست تمام آهنگر های خودمان را به بندیم چون وقتی بناشد ادوات فلاحتی از قبیل داس و اسباب کاو آهن و تمام این چیزها را از فرنگ بیآوریم پس این آهنگرهای خودمان چه میکنند؟ این بنده بینه قدر در ایران آهنگر هست بکلی این ها صنایعشان از بین میرود و بقدری از ادوات فلاحتی در این مملکت می ریزند که کارگران مابیکار می شوند بنابراین بنده معتقدم آن چیزهایی را که

نداریم ارفقیل کارخانه ماشین بیآوریم ولی آن قسمت هایی را که خودمان داریم مثل داس و کاو آهن و غیره و خودمان میتوانیم درست کنیم دیگر آنها را چرا از خارجه بیآوریم.

بنابر این خوب است نه جهت افراط را بگیریم نه جهت تفریط را.

بلی ماشین را موافقم ولی نسبت با ادوات خوبست ملاحظه کارگرهای خودمان را هم بکنیم.

بنابر این دلایلی که عرض کردم با ادوات مخالف هستم.

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب.

آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام فرمایند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای مشار اعظم پیشنهادی که کرده اید در واقع همین بود کرد شد.

مشار اعظم - بلی همینطور است.

رئیس - ماده اول قرائت می شود (این طور خوانده شد)

کلیه ماشین های صنعتی و قطعات آنها و نیز کلیه ماشین ها و ادوات فلاحتی و قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهند بود.

رئیس - رأی می گیریم هلوس - مدرس اجازه می خواهم بنده پیش نهاد دارم ده سال را زیاد میدانم.

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

تصریح ماده دوم می شود اینگونه ماده را که اخیراً کمیسیون پیشنهاد کرده است آن را ماده دوم کنیم. بهمازمستثنیات را برای آخر بگذاریم.

مخیر - بلی. این ترتیبی که فرمودید بهتر است.

ماده دوم ماده جدید پیشنهادی کمیسیون باشد.

رئیس - ماده دوم قرائت می شود (این طور قرائت شد)

ماده دوم - بارکش ها موتوردار مطلقاً و اتومبیل های سواری در صورتیکه قیمت آنها بیش از هزار تومان نباشد از تاریخ تصویب این قانون تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود.

رئیس - آقای سالار لشکر (اجازه)

سالار لشکر - بنده باین ماده مخالفم برای اینکه این ماده حقوق گمرک را کم خواهد کرد چون اشخاصی که استطاعت آوردن اتومبیل داشته باشند حق ورود

آن را هم میتوانند بیورند و بهتر اتومبیلی تقریباً دوست و سصد تومان حقوق گمرکی تعلق میگردد نمی شود این ماده را تصویب کرد چون بکلی بکس قسمت از عایدات گمرک از بین می رود و ممکن است همین اتومبیل ها لو کس باشد.

مخیر - بنده نظری را که کمیسیون در این موضوع پس از پیشنهاد آقای تقی زاده ملحوظ داشت برض آقایان رساندم.

نظر کمیسیون و همچنین آقای تقی زاده که بودند.

این بود که سعی شود تا بوسائل مختلفه حمل و نقل جدید و ماشین های موتوردار و غیره وارد در مملکت شود و زیاد شود و البته یکی از وسائل زیادی ارزانی آنست و یکی از وسائل ارزانی آن هم این است که از حقوق گمرک معاف باشد.

وقتی که گمرک از آنها گرفته نشد طبعاً ارزان و فراوان میشود و باین وسائل نقلیه جدید در مملکت زیاد میشود.

باین مناسبت کمیسیون این موضوع را بدو قسمت تجزیه نمود:

یکی بارکشها و ماشین های موتوردار است از قبیل کامیون و بارکشهای کوچک و بزرگ که موتوردار است قرار شد از حقوق گمرک تاده سال معاف باشد.

یکی هم راجع باتومبیل که حضرت والا میفرمایند لو کس است که آنرا هم کمیسیون قرار گذاشت تا هزار تومان از قیمت از حقوق گمرکی معاف باشد و به عقیده کمیسیون اتومبیل هایی که قیمت آنها تا هزار تومان است لو کس نیست و اتومبیل های فرد کوچک است که برای حمل و نقل خیلی مفید است.

در حال نظر کمیسیون این بود که عرض کردم حالا آقایان مختارند اگر مساعد با این نظر هستند که سعی شود بوسائل ممکنه وسائل نقلیه جدید و ماشین های موتوردار بملکت وارد شود رأی می دهند اگر هم صلاح نمی دهند رأی نمی دهند در هر صورت از نقطه نظر عایدات گمرکی علی العجله سکنه زیادی وارد نمی آرد چون الان مقدار زیادی اتومبیل وارد مملکت نمیشود.

و بعقیده کمیسیون منفعت معاف کردن بیشتر از منافع گمرکی آن است حالا اگر آقایان موافقت ندارند البته میتوانند رأی ندهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در دو جزء این ماده مخالفم.

اولاً راجع بده سال که خیلی زیاد است ثانیاً راجع بایرادی که آقای سالار لشکر فرمودند.

بنده هم همان را تعقیب میکنم و واحاسا بنده موافقم با آنچه که راجع بحمل

و نقل بار باشد.

اما عبارت دیگر وسائط نقلیه که مهم است از حمل بار یا انسان بنده بکلی مخالف آن هستم.

ولی آن چیزی که از برای حمل و نقل بار باشد موافقم.

اما آندیم راجع باتومبیل فرض فرمائید آن اتومبیل هایی که غیر از فرد باشد آن اتومبیل هایی است که خیلی گران است و میگویند اردها سواری میشوند و آنها هم در ایران خیلی کم است منتهی چهار تا الی پنج تا بیشتر نیست مابقی از هزار تومان قیمتشان کمتر است و اگر بنا شود در این باب بنیامین اجازه بدهیم و باین طور اسباب تسهیل قابل بشویم دوسر زده ایم یکی باصل سرمایه مردم چون طبیعت (جسارت است خودم هم ایرانی هستم) ما ایرانیها علم اکونومی و فناعت و علم زندگی را نداریم همه مان می خواهیم توی اتومبیل بنشینیم و میگوئیم اتومبیل یکی چهار صد تومان که بیشتر نیست همین ندارد و در ضمن بنزین هم صرف کردیم یکمشت پول خودمان را هم داده ایم به کارخانه و زودتر در عرض دوسال هم خراب میشود.

این اولاً و ثانیاً وقتی که بنا بشود به فرمایش خودتان این اتومبیل ارزان شود مسلماً با این زیاد وارد میکنند زیاد که وارد کردند در گمرک هم باید جلوش را بگیریم؟

خوب است توجه نمایم بنقصان عوائد مملکت این بزرگ منشی و خواجه تاشانها سال دیگر برای ما عوائد باقی نمیگذارد زیرا هر جا میرسیم معاف میکنیم می بخشیم آنوقت می خواهیم عوائد مملکتان هم زیاد باشد.

پس عقیده بنده این است که نسبت باتومبیل هیچ معافیت نباشد و یا اگر دلشان میخواهد معاف باشد دوسال پس است دیگر ده سال چرا؟

مخیر - در قسمتی که راجع است به بارکش ها بنده هم شخصاً و هم نظر کمیسیون را می دانم که فوق العاده اهمیت می دهند ببارکشهای موتوردار و گمان می کنم توضیح دیگری هم لازم نباشد در قسمت دیگر هم نظیر این بوده است که وسائل نقلیه ترویجی شده باشد و در کمیسیون هم پیش نهاد شده است و کمیسیون هم قبول کرده است و راجع به این قسمت و اگر گذار می کنم برای مجلس و ممکن است در موقع رأی این مسئله را بدو قسمت تجزیه کنند و رأی بگیرند.

رئیس - آقای زعیم (اجازه)

زعیم - بنده مخالف بودم ولی باین ترتیب که آقای داور فرمودند دیگر مذاکره را کافی می دانم و خوبست داخل پیش نهادها

باشد لو کس است و باید گمرک در محل گمرک گرفته شود.

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنده هم مخالفم ولی حالا که بنا شد بطور تجزیه رأی گرفته شود مرضی ندارم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی

قائم مقام - کافی نیست

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است.

چند فقره پیش نهاد رسیده است قرائت می شود.

(بشرح آتی قرائت شد)

۱- بنده پیش نهاد می کنم ماده دوم بارکشهای موتوردار از تاریخ تصویب این قانون تا پنج سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود.

زعیم

۲- میرزا شهاب پیش نهاد میکند در ماده ۲ مدت پنج سال منظور شود.

۳- بنده پیش نهاد میکنم اتومبیل های سوا می حذف شود

اخگر

۴- این جانب پیش نهاد میکنم هزار تومان تبدیل بشود تومان بشود

شیخ محمد علی طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - نظر بنده این است که نسبت به اشخاص موضوعات تفاوت میکند بعضی چیزها نسبت بعضی اشخاص لو کس است و نسبت به بعضی ها لو کس نیست اتومبیلی که از ششصد تومان بیابا باشد (بنده اصل اتومبیل را شاید لو کس بدانم)

لیکن محتاج الیه مملکت است از این جهت اتومبیلی که غالباً اجاره می کنند و تجار وارد میکنند و از این شهر بآن شهر یا از این جا بقم یا جای دیگر اجاره می دهند قیمتت بیش از ششصد تومان نیست و اسباب رفاه حال عموم است لیکن اتومبیلی که قیمتش بیش از ششصد تومان باشد غالباً تجار آنطور اتومبیل نمیخرند مگر این که پارکش باشد.

بنابر این اتومبیلی که قیمتش بیشتر از ششصد تومان باشد اصولاً لو کس است (بنظر من) لو کس است وارد مملکت بکنیم و منافع دولت و ملت را هم خفه نمایم گمرک هم بگیریم

بنابر این بعقیده بنده قسمت اتومبیل سواری که قیمت آن بیش از ششصد تومان

بنشینند و این قانون را لغو کنند بنده هم معارضه بمثل میکنم برای این که امروز پیش نهاد میکنند ده سال آنوقت اگر تا پنج سال دولت دید صدمه ای دارد پیش نهاد میکنند که این قانون را لغو کنند دلیل ندارد که حتماً پنج سال باشد و بعد از پنج سال تجدید نماید.

بنده بر این موافقم همانطور که بنده پیشنهاد شده رأی بگیریم

آقای آقا میرزا شهاب آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد.

پیشنهاد آقای سالار لشکر (بشرح دیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم فقط بارکش فرد تا پنج سال معاف باشد.

سالار لشکر - بنده در اینجا فقط مقصودم بارکش فرد نیست بارکش های کوچک در حدود ده یا نوزده اسب است و اساس مسئله این است که ما خیال میکنیم از یک عوارضی که معاف میکنم فوراً در مملکت یک رفاهی برای مردم تولید میشود در صورتیکه الا همین وسائط نقلیه فعلی که در ایران هست از قبیل شتر و قاطر و خر اینها را تجزیه کردیم که چندان فرقی نمیکند مثلاً در سوانی که گرانی است و جو خرواری بیست تومان و گرایه بندی میکنند فرضاً به خرواری دوتومان یا سه تومان بعد هم که جو و گندم ارزان می شود باز همان میزان را میگیرند.

الان قبل از این فصلی یعنی چند سال قبل گرایه از اینجا بهمان شایستگی تومان بود بعد از اینکه گندم و جو گران شد فوراً گرایه را بالا بردند حالا هم که ارزان شده باز همان حال را دارد.

پس این معاف کردن از عوارض گمان نکنند که سبب رفاه عامه می شود و از اینجا تا قره تو کمیانی های کوچک متعدد که فوراً گرایه را ارزان می کنند یا مال التجاره ارزان می شود اینها که تصور می کنید خیالاتست عملاً دیده ایم اینها در موارد اشخاص متفاوت است.

یک اتومبیل ممکن است از اینجا تا قره تو سبصد تومان بگیرد و فلان آدم را ببرد و از یکی دیگر ممکن است پنجاه تومان بگیرد.

اینها یک چیزهایی نیست که بگوئیم فوراً در مقابل یک ضربه که بدولت می ریزیم اسباب رفاه مردم فراهم میشود.

خیر بکلی کار این گرایه بایدست دلالت است و بسته به آن شخص مسافر است اگر یک شخصی بود ناشی و نادان ممکن است از پانصد تومان از اینجا تا قره تورا بدهد و اگر بالعکس یک شخصی بود دانا و چانه هم بزند و گتتکو بکند ممکن است پنجاه تومان هم کمتر بدهد.

پس عجالتاً یک همجو ضرری زدن به مردم نمی خورد و اسباب زحمت میشود و نباید

روی یک خیالی است.

حالا آنچه که بنده پیشنهاد کردم راجع بیارکش کوچک است چون بارکش هائی که از ده سرور یا کمتر مثلاً شش هفت خروار باری برند (در مملکت ما هیچ چیز باین زودی عملی نیست) در زمستان در این راههای بدما ابداً نمیتوانند باین آسانی عبور کنند و در این راه های پر گل بارکشهای بزرگ در گذشته ما میمانند لهذا غیر عملی است و قیمت آنها هم از پنجاه هزار تومان الی ده هزار تومان است.

بتفاوت هر کسی که استطاعت وارز کردن آنها را داشته باشد استطاعت دادن سبصد تومان یا چهار صد تومان حقوق گمرک را هم خواهد داشت ولی البته اتومبیل های مختلف در اینجا هست از قبیل اتومبیل فرد و سیفرون که مثل فرد یک خروار حمل میکند.

از روی تجربه و اطلاعاتیکه در سنوات اخیر راجع باتومبیل رانی حاصل کرده ام در فصل بهار و تابستان خوبست ولی در زمستان باین اتومبیل های کوچک بهتر می تواند عبور کنند و ممکن است اگر اتومبیل های فرد در سبصد تومان وارد کنند که پانزده ده الی پانزده اسب بار حمل می کنند.

یک مختصر فرقی راجع به رفت و آمد میکنند اینهم اگر چه یک اندازه جزئی خواهد بود ولی چنان احساساتیکه از آقایان نماینده کان این است که پنج سال معاف بشود تصور میکنند که فایده های فوق العاده دارد باین جهت پیشنهاد کردم این اتومبیل های کوچک را معاف بفرمایند و اینهم معاف ا کر خوب شد ممکنست سایرین را هم معاف کنیم و اگر خوب نشد پس از پنج سال لغو شود مخیر بنده اولاً دفعه اولی است که می شوم بارکش فرد یعنی بارکش کوچک و حضرت والا پیشنهاد کرده اند بارکش فرد و میفرمایند مقصودم اینست که کلیه بارکش های کوچک.

سالار لشکر - این را اشتباه کردم پیشنهادم را عرض می کنم

مخیر - و ثانیاً اینکه وقتی در موضوع نوافل صحبت می کردیم و مالیات نوافل اتومبیلها بنا بود کم شود هیچ نفرمودند و حالا وقتیکه راجع بکارهای تجارتنی صحبت می شود که ایشان بنده هم در آن به چوچه ذینفع نیست ولی از نقطه نظر عموم فایده دارد ایشان مسئله عایدات گمرک را در نظر می گیرند.

اولاً باید دانست که این بسته باین است که جنس زیاد بیاید و جنس و قتی زیادی آید ارزش زیاد گمرک نکیریم امروز این اتومبیلها و بار (شاه فوق) - العاده در این مملکت وارد نمیشود و عایدات زیاد ندارد بعداً زیاد خواهد شد مسئله کامیونهارا که مثال زدند بگویند آنها ببرد مردم نمی خورد و اسباب زحمت میشود و نباید

معاف شود اگر وارد نمیشود که فرق نمیکند پس شما این تشویق را بکنید که بیشتر وار شود.

شما نمیخواهید اتومبیلهای بزرگ که از نقطه نظر حمل و نقل مفیدتر است وارد شود؟

و در ضمن مثال فرمودند شتر و گاو... سالار لشکر - قاطر.

مخبر - بلی قاطر و این چیزها و فرمودند که هیچ تفاوت نمیکند همیشه در تحت یک اصل است بنده نمیخواهم مثل یکی از آقایان مخبرین که گاهی اظهار تعجب میکرد و آقایان بر میخورد اظهار تعجب کنم ولی جاداشت که بنده هم اظهار تعجب کنم.

زیرا یک اصول و قواعد خیلی محکمی در امور اقتصادی هست و مخصوصاً قواعد عرضه و تقاضا یک قاعده کلی است که هیچ نمیشود این مورد را خارج از این قاعده تصور کرد.

وقتی یک جنسی زیاد شد و طبیعتاً قیمتش کم میشود وقتی اتومبیل در این مملکت زیاد شد آنوقت از شما پنجاه تومان نخواهد گرفت تا فرقه نو اگر حضرت والا بخواهید در آنجا چانه هم بزنید و دقت بکنید کمپانیها که تجارت میکنند نمیگذارند راهبرای که میشود پنجاه تومان گرفت از شما یا تصد تومان بگیرند.

باینجهت تمنی میکنم آقایان قبول فرمایند که عبارت اینطور باشد که بار کش های موثور دار معاف باشد.

رئیس - آقای سالار لشکر پیشنهاد شان را تغییر داده اند پیشنهاد جدیدی که قرائت می شود.

(بتر ترتیب ذیل خوانده شد) پیشنهاد میکنم فقط بار کش کوچک فرد و از قبیل آنکه اتومبیل دهالی یا نوزده اسپ قوه داشته باشد.

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج آقا ساعید (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهادی کنم در ماده دوم ۸ سال نوشته شود.

رئیس - پنجسان قابل توجه شد. پیشنهاد آقای افشار (بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهادی کنم در مدت معافیت ماشینها پنجسان و اتومبیلهای سواری مشمول این معافیت نباشد.

رئیس - رأی باید بگیریم بقسمت دوم آقای افشار (اجازه)

افشار - در بدو اینکه قانون وضع میکنیم باید ملاحظه کنیم که در مالک دیگر هم نسبت به مال التجاره های ما چه قسم رفتار میکنند و آنرا هم در نظر بگیریم.

دولت آمریکا سالی نود میلیون دلار پول دنیا را می برد و از ایران هم سالی شش میلیون دلار بمملکت آمریکا می برد در آمریکا صدی هفتاد و نود قالی کمرک میکشند و از این جهت است که قالی های مادر آنجا رواج پیدا نکرده و برای هر چیزی که از ایران بمملکت آمریکا می رود تجارت باید مقدار زیادی کمرک بدهند آنوقت مادر صورتی که نظرمان از وضع قانون تسهیل است برای حمل و نقل مال التجاره آنها را هم از تأدیبه مالیات معاف میداریم در صورتیکه تأثیر عمده در عوائد مملکت ما دارد و تصور میکنم در اینگونه قضایا خوب است یک اقدامات متقابله هم در وضع قانون بشود.

رئیس - آقای تین تین عضو این کمیسیون نیستند؟

تین تین - بنده در این موضوع عرضی ندارم.

رئیس - آقای مدیر الملک (اجازه)

مدیر الملک - بنده تعجب میکنم از آقای افشار اگر چه حقیقتاً خیلی میل دارم مملکت ما هم تمدن بشود.

بعضی از نمایندگان - هست.

مدیر الملک - اگر بخواهید تمدن توسعه پیدا بکنند چه در دولت باید زحمت بکشند و خرج بکنند با وجود این آقای اینچور میفرمایند البته اگر ما هم تجارتمان رسیده بجایی که بتوانیم این کارها را بکنیم خواهیم کرد ولی امروز ما میخواهیم آنها را معاف بکنیم تا اینکه این اتومبیلها را بیآورند باین مملکت و حمل و نقل مال التجاره تسهیل بشود.

مانیخواهیم بقدری کمرک زیاد بکنیم که برای دفعه دیگر مال التجاره فرستاده نشود.

نظریه کمیسیون هم این بوده است مردم تشویق شوند و از این ماشینها وارد کنند در این صورت بنده با این پیشنهاد مخالفم.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن قسمت دوم پیشنهاد آقای افشار که اتومبیل های سواری مشمول این معافیت نباشد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد.

ضمناً مقصود آقای زعییم هم حاصل شد پیشنهاد آقای سرداد عشایر (باین ترتیب قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که کمرک از کلیه اتومبیل گرفته شود ولی از روی قیمت.

رئیس - این پیشنهاد حالا دیگر موردی ندارد.

پیشنهاد آقای قائم مقام (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای اتومبیل های بارکش عموماً و اتومبیلهای سواری مخصوص مسافری کمرک صدی پنج منظور شود.

رئیس - راجع بقسمت اول این پیشنهاد توضیح بدهید.

قائم مقام بنده میخواهم یک قسمت از فرمایشات آقای تقی زاده که این پیشنهاد را تقدیم کردند تذکر بدهم.

ایشان میفرمودند که در این مجلس هر چه لایحه جذب مالیات پیشنهاد میشود آن را اعمال می کنند این است که بنده عرض میکنم اگر مقصود از معافیت این است که یک تسهیلی برای وارد شدن اتومبیل در مملکت فراهم شود

اگر بنا باشد که کلیه اتومبیلها را از تأدیبه حقوق کمرکی معاف کنیم آن وقت یک مبلغ گزافی بعبایات دولت ضرر می خورد و حالا از اتومبیل صد یا نوزده حقوق کمرکی می گیرند و اگر حقوق کمرکی اتومبیل را از صد پنج نمایند

اتومبیل زیاد وارد این مملکت میشود و محل آن صدها راهم برمی کند والا اگر آنرا بکلی از دادن حقوق کمرکی معاف کنیم آنوقت صدمه زیادی بکمرک وارد می آید

در اینجا آقای سالار لشکر فقط اتومبیل فرد را پیشنهاد کردند

و این در واقع یک انحصار است که بیک کارخانه داده میشود در صورتیکه کارخانجات دیگر هم هست که کامیون های بزرگ میسازند و شاید قیمت آنها از هزار تومان هم زیاد نباشد باین جهت بنده اتومبیل بارکش را پیشنهاد کردم

در قسمت دوم که اتومبیل سواری باشد بنده عرض میکنم که اتومبیل سواری دو قسم است

یکی آنست که بعقیده آقای طهرانی لوکس است که سه چهار نفر بیشتر در آن نمی توانند سوار شوند

ولی یک قسم دیگر هست که اسمش اتوبوس است و شانزده تا بیست و چهار نفر مسافر جا میگیرد آنها هم چون برای تسهیل مسافرت مردم است

بعقیده بنده باید حقوق کمرکی آنها را یک اندازه کسر کرد که زیاد تر وارد شود و سبب سهولت مسافرت بشود.

رئیس - این پیشنهاد مجدداً قرائت می شود.

(بشرح سابق خوانده شد) رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای رئیس التجار (باین طریق قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که کلیه اتومبیل مسافری و بارکش از حقوق کمرکی معاف باشد غیر از اتومبیلی که اشخاص برای سواری شخصی در شهرها وارد نمایند

رئیس التجار - بعقیده بنده اتومبیل های لوکی عبارت از اتومبیلهاست که وارد مملکت فقط برای سواری خودشان در شهرها و اینها قیمت آنها هم یا صد دشت صد تومان هزار تومان است و کسیکه استطاعت نگاهداری یک چنین اتومبیلی را دارد و حقن کمرکی راهم باید بدهد بیک بعقیده بنده بیشتر هم باید بدهد ولی باید فهمید که در مملکت ما اتومبیل لازم است یا خیر؟

گمان میکنم کسی تردید در لزوم آن نداشته باشد. و البته برای رفتن از اینجا بخراسان یا شیراز از اتومبیل سواری بهتر از الاغ و شتر سواریست و هر چه اتومبیل در این مملکت بیشتر باشد آبادی مملکت بیشتر است و وقتیکه یک تاجری میخواهد یک اتومبیل بار کشی که پنج هزار تومان قیمت دارد وارد کند می بیند هزار هزار یا صد تومان از آن حقن میگیرد بنابراین کمتر وارد می کنند و اگر این قبیل اتومبیلها را از حقوق کمرکی معاف کنیم از طرق دیگر برای مملکت بیشتر منافع دارد.

رئیس در قسمت دوم که رأی داده شده است.

باید رأی بگیریم. بقسمت اول آقایانی که قسمت اول پیشنهاد آقای رئیس التجار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد. ماده سوم احکمر - بنده هم یک پیشنهادی تقدیم کرده ام

رئیس - یک پیشنهادی یکی از آقایان کردند راجع بحذف اتومبیلهای سواری و قابل توجه شد

ضمناً نظر سرکار هم تأمین شد. ماده سوم (بشرح ذیل خوانده شد)

وسائط نقلیه که محمول آنها فقط ماشین های فلاحتی و صنعتی و باقی فضا ماشینها مزبور باشد از تأدیبه باج راه و مالیات نواقل معاف خواهد بود ولی صاحبان آن باید ورقه معافیت را که وزارت مالیه ترتیب میدهد در دست داشته باشند

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده در قسمت باج راه موافقم ولی در قسمت نواقل قانون تخصیص داده است مالیات نواقل را برای بلده شهرها باین جهت بنده در این

قسمت این ماده مخالفم. برای اینکه بخواهد مملکتی ضرر میخورد ولی موافق هستم که از حقوق کمرکی و باج راه معاف باشند ولی در قسمت معاف بودن نواقل بنده مخالفم برای این که مالیات نواقل مخصوص بلده شهرها است حالهمل نمیکند البته باید تعقیب کنیم که مالیات نواقل را در محل خود مصرف کنند.

مخبر - این ماده بطوریکه آقایان ملاحظه میفرمایند در اثر پیشنهادی است که بعضی از آقایان نمایندگان مخصوصاً آقای ارباب کیخسرو کردند و یک کمیسیون مراجعه شد و در آن وقت مطالعه شد و بالاخره کمیسیون این ماده را زایت داد.

در قسمت باج راه چون آقای آقا سید یعقوب مخالفت نکردند بنده هم عرضی نمیکند و اگر بعد آقایان دیگر مخالفت کردند بنده هم دلائلی که در نظر گرفته شده بود عرض میکنم و راجع بنواقل اساس مطلب صحیح است که نباید سعی کرد عوائد مملکتی کسر شود.

ولی اگر بنده میخواستم از نقطه نظر حفظ این ماده و دفاع از این ماده یک دلائلی گفته باشم گمان میکنم خود آقا هم متقاعد بشوند.

حالا ناچارم این نکته را به آقا عرض کنم که قانون بلده که میفرمایند فقط یک قانونی است که روی کاغذ است.

این مالیات نواقل را که میفرمایند برای آبله کوبی است من نمیدانم اصلا چه مبلغ است و چه مبلغ آن را برای آبله کوبی میدهند.

مدتها بود که آقای امیرالم در این باب کشمکشهای کردند و اگر هم میدادند خیلی خیلی کم بوده است و البته باید سعی کرد که اینطور نشود.

در حال بر میگردیم بر سر موضوع آقای آقا سید یعقوب میفرمایند عوائد کسر میشود

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

رئیس - آقای زعییم بنده مخالفم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته برای یک مملکتی که میخواهد همه قسم وسائل آسایش داشته باشد کمرک باید بدهد باج راه و نواقل هم باید بدهد ولی باید دید که این معافیت از چه نقطه نظر است.

برای این صدمات و لطمانی است که از جهت نداشتن یک صنایع سرشار با از حیث

بنده گمان میکنم نواقل آن مقدار زیادی نباشد که بعایدات بلدی سکنه وارد بیآورد بلکه از نقطه نظر آن اصلی که ما در نظر داریم بهتر است زیرا مقصود ما این است مردم را تشویق کنیم که ماشینهای

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

رئیس - آقای زعییم بنده مخالفم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته برای یک مملکتی که میخواهد همه قسم وسائل آسایش داشته باشد کمرک باید بدهد باج راه و نواقل هم باید بدهد ولی باید دید که این معافیت از چه نقطه نظر است.

برای این صدمات و لطمانی است که از جهت نداشتن یک صنایع سرشار با از حیث

بنده گمان میکنم نواقل آن مقدار زیادی نباشد که بعایدات بلدی سکنه وارد بیآورد بلکه از نقطه نظر آن اصلی که ما در نظر داریم بهتر است زیرا مقصود ما این است مردم را تشویق کنیم که ماشینهای

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

رئیس - آقای زعییم بنده مخالفم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته برای یک مملکتی که میخواهد همه قسم وسائل آسایش داشته باشد کمرک باید بدهد باج راه و نواقل هم باید بدهد ولی باید دید که این معافیت از چه نقطه نظر است.

برای این صدمات و لطمانی است که از جهت نداشتن یک صنایع سرشار با از حیث

بنده گمان میکنم نواقل آن مقدار زیادی نباشد که بعایدات بلدی سکنه وارد بیآورد بلکه از نقطه نظر آن اصلی که ما در نظر داریم بهتر است زیرا مقصود ما این است مردم را تشویق کنیم که ماشینهای

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل نقلیه که این اشیاء در آنهاست باج راه میگیرند بنابراین آمدند و اینطور تصمصیم گرفتند.

وسائط نقلیه که محمول آنها ماشینهای فلاحتی و صنعتی است از باج راه و نواقل معاف باشد و مقدار آن هم زیاد نخواهد بود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - دفاعی که آقای مخبر کردند در واقع دفاع از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نبود بلکه خودشان هم تصدیق فرمودند و یک کلمه هم در آخر فرمودند که چیز مهمی نیست یعنی عوائد بلدی چندان کسر نمیشود.

حالا کم یا زیاد بشود اصلاً گفتگودر این است که همان معاف بودن از عوارض کمرکی برای تشویق فلاحت کافی است و مالیات نواقل باید بصرف خود شهر برسد و خرج راهی بشود که در روی آن در شکه و اتومبیل حرکت میکند و لولاینکه محمولشان ماشینهای فلاحتی یا صنعتی باشد چون خرابی براه وارد میآورد باید مالیات نواقل را بدهد

آقای مخبر فرمودند چندان اهمیتی ندارد و جزئی است بنده عرض میکنم وقتی بنا شد همه چیز را بگوئیم اهمیتی ندارد و جزئی است آنوقت اینها خودش روی هم رفته یک کلی میشود.

پس بعقیده بنده برای تشویق همان معافیت از کمرک کافی است و بنده معتقدم که قسمت نواقل از این ماده حذف شود

رئیس - آقای زعییم بنده مخالفم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته برای یک مملکتی که میخواهد همه قسم وسائل آسایش داشته باشد کمرک باید بدهد باج راه و نواقل هم باید بدهد ولی باید دید که این معافیت از چه نقطه نظر است.

برای این صدمات و لطمانی است که از جهت نداشتن یک صنایع سرشار با از حیث

بنده گمان میکنم نواقل آن مقدار زیادی نباشد که بعایدات بلدی سکنه وارد بیآورد بلکه از نقطه نظر آن اصلی که ما در نظر داریم بهتر است زیرا مقصود ما این است مردم را تشویق کنیم که ماشینهای

فلاحتی و صنعتی وارد کنند و بدرد اوضاع اقتصادی این مملکت بخورد و از نقطه نظر آن اصل این ماده اینجا بیش بینی شده است و حالا که آقایان بخواهد دیگر رأی داده اند خوب است باین ماده هم رأی بدهند و همانطور که عرض کردم از نقطه نظر نواقل یک ضرر فوق العاده بعایدات بلده ما نخواهد خورد.

در پیشنهادی که داده شده بود عبارت اینطور نوشته شده بود که ماشینهای فلاحتی و صنعتی از دادن باج راه نواقل معاف باشند و در کمیسیون عبارت اینطور شد که در ماده نوشته شده است چون آقایان باید متوجه این نکته باشند که از خود اشیاء باج راه نمیگیرند بلکه از آن وسائل

جلسه صد و نهم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۲۱ جلدی ۱۳۰۴ مطابق بانز دهم جمادی الثاني ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مومن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - قبل از شروع بدستور عرضی دارم

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان قریب يك هفته است مریض هستند .

رئیس - بلی مریض هستند و بنا شد بکمیسیون مراجعه شود تا تکلیفش معلوم شود

آقای مشیر معظم - بنده قبل از دستور عرضی دارم

مدیر الملک - آقای میرزا بدالله خان را جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بواسطه فوت یکی از بستگان شان بیست روز اجازه خواسته بودند

رئیس - آقای طهرانی - (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - آقای الموتی بواسطه گرفتاری فوت مادرشان در روز نتوانستند تشریف بیاورند و ایشان را بدون جهت غایب بی اجازه نوشته اند

رئیس - آقای امیراعلم - (اجازه)

امیراعلم - آقایان مشیرالدوله و رهنما را که در صورت مجلس غایب بدون اجازه نوشته اند هر دو شان مریض هستند

رئیس - میبایستی یاد داشتی بفرستند که مراجعه بکمیسیون بشود -

آقای کازرونی - قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقایان مشیرالدوله و رهنما را که در صورت مجلس غایب بدون اجازه نوشته اند هر دو شان مریض هستند

رئیس - میبایستی یاد داشتی بفرستند که مراجعه بکمیسیون بشود -

آقای مصدق الملک (اجازه)

مصدق الملک - بنده را غایب بی اجازه نوشته اند - بنده اجازه خواسته بودم - رئیس از کمیسیون اجازه خواسته بودم - مصدق الملک - از کمیسیون عرضی - رئیس - بکمیسیون تذکره داده خواهد شد -

آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرضی دارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - البته خاطر آقایان از خرابی هائیکه هر روز دست طبیعت یادست بشود در آبادی های این مملکت میگذرد مسبوق است

بموجب قانون اساسی دولت هیچ مالیاتی نمیتواند بدون اجازه مجلس وضع کند و هیچ تخفیفی هم نمیتواند بدهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی در این دو سه روزه سبلهای هدیه که آمد و خرابیهاییکه قان و وفات یزد و سایر نقاط وارد آورد آقایان مسوقند و این خرابیها از اطلاعاتی است که این سه چهار روز رسیده

بدیهی است از اول مشروطیت تا بحال هم این قبیل خرابیها بوده و از آنوقت يك جزو جمع مالیاتی در این مملکت معمول بوده است و همیشه از مودیان مالیاتها مطالبه میکردند و اندوا گریه اصل کالی مجلس اتخاذ نکرده و بدولت دستور ندهد در عملی که دولت بکند برخلاف قانون و برخلاف وظیفه اش میباشد - در دوره چهارم قانون میزری برای رفع این معایب بمجلس آمده و دوشور هم شد و چون مقارن شد با ورود مستشاران امریکائی دولت آن قانون را استرداد کرد و ماند تا دوره پنجم در برج جوزا

جمعی از آقایان بموجب ماده ۲۳ نظامنامه خود را ذیبح دانستند که تقاضا کنند این لایحه که در مجلس پیش مطرح بوده در این دوره بکمیسیون مراجعه شود و تقریباً چند ماه طول کشید تا در برج میزان دولت يك لایحه تنظیم کرد و آورد بمجلس

از برج میزان با بنظر این لایحه رایبوتش از کمیسیون قوانین مالیه بیرون نیامده و بموجب ماده ۲۵ نظامنامه صاحب طرح یا لایحه حق دارد اگر در ماه يك لایحه در کمیسیون معطل ماند و خبرش بیرون نیامد تقاضا کند در مجلس مطرح شود این است که بنده استدعا میکنم از هفت تا هفته يك روز را ما مخصوص شور در لایحه قانون میزری قرار بدهیم که در مجلس مطرح شود و روز

شنبه را برای اینکار اختصاص بدهند اینست که تقاضا میکنم - آقایان هم قبول فرمایند که روزهای شنبه لایحه میزری در مجلس مطرح شود تا تکلیف مردم و تکلیف دولت هم معلوم شود

رئیس - آقای مشیر معظم (اجازه)

مشیر معظم - بنده عرض میکنم در شب در مجمع جوانان ایران آقای علانی کنفرانس جالب توجهی دادند که يك قسمتی از بیاناتشان راجع بنفت

شمال بود - بنده بیمناسبت نمیدانم خدمت آقایان تذکر بدهم که يكسال و نیم تمام تقریباً وقت مجلس چهارم و پنجم صرف اینکار شد و تا کنون هیچچیز من الوجوه انری از این کار ظاهر نشده و هیچ فایده برای دولت و ملت حاصل نگردیده است جز اینکه از خزانه فقیر مملکت قریب سیصد هزار تومان مخارج اینکار شده است و معلوم نیست تکلیف اینکار چیست

بنده خواستم تذکر بدهم اگر آقایان صلاح میدانند يك تذکره بدولت داده شود که يك هفته دیگر بکمیسیون سبگلر اطلاع بدهند که اگر حاضر است با آن شرایطی که معین شده یعنی مطابق آن قانونی که مجلس تصویب کرده است رفتار کند و مملکت دولاری که بایستی قرض بدهد قرض میدهد که این امتیاز با او اگذار شود اگر حاضر نیست آقایان که مستحضرن در ابتدای امر گویائی استاندارد اول که یکی از مهمترین کمپانیهای دنیا است حاضر بود برای این کار با ما مراجعه کنند اگر او با همین شرایط و دادن ده میلیون دلار بشرط اینکه سر - مایه از امریکائی ها و ایرانها باشد حاضر است قبول کند با داده شود و الا باین ترتیب اسباب نگرانی و اتلاف وقت مجلس است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

کمیسیون قوانین مالیه مطرح شد و بدون تأخیر جلسات کمیسیون متعاقب هم تشکیل شده است و در این باب مذاکره گراتی شده است البته آقایان تصدیق خواهند کرد که لایحه میزری که راجع بانذمالیات اراضی است امر کوچکی هست که بتوان بدون مطالعه کامل راپرت آنرا تقدیم کرد و اگر بنا باشد این لایحه در مجلس مطرح شود گمان میکنم سبب خواهد شد که اوقات کمتری از مجلس را اشغال کند و برای استحضار آقایان عرض میکنم که مطابق اطلاعاتی که در کمیسیون تحصیل کرده ام اصولاً اخذ مالیات در نقاط مملکت هر کجا صورت خاصی داشته و عقیده دولت این است که اخذ مالیات بایستی از روی عایدات باشد برای اینکه يك اصل ثابتی باشد که اشکالاتی که در ترازوی بین الملک و رعیت پیش میآید مرتفع شود و البته تصدیق می فرمایید که اخذ مالیات از خود عایدات خالی از اشکال نیست و تا کنون هم مذاکرات زیادی در کمیسیون شده و نظر اغلب آقایان نمایندگان هم که عضو کمیسیون نبودند جلب شده و يك پیشنهاد هائی در کمیسیون طرح و قبول شد ولی باز دولت آن پیشنهاد را برای انجام مقصد خودش کافی نمی دانست این بود که لازم دانستند در آن قانون تجدید نظر شود و در روز هم معصوم صا در این باب مذاکرات زیادی شد امروز عصر هم بناسبت کمیسیون تشکیل شود و بنده گمان میکنم بهین زودی راپرت آن از طرف کمیسیون تقدیم شود و لازم نیست که در مجلس مطرح شود و وقت مجلس تلف شود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

مردار تصویب می کند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - در ماده اول اعتراضی نرسیده است آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - مقصود از ماده اول ماده ایست که مجلس باید تصویب کند

رئیس - خیر ماده قرائت شد

تقی زاده - بنده ملاحظاتی راجع به ماده واحد دارم اگر موقعش حال است حالا عرض کنم و اگر موقعش در آخر است آنجا عرض کنم

رئیس - موقعش در آخر است - در ماده دوم هم اعتراضی نرسیده است

آقا سید یعقوب - خوب است قرائت شود

رئیس - يك كتابچه است قرائت شود؟ طبع و توزیع که شده است - در ماده سوم هم اعتراضی نرسیده است و همینطور تا ماده ۱۳ آقای افشار (اجازه)

افشار - بنده در ماده چهار عرضی دارم

رئیس - باید قبلاً اعتراض خود را داده باشید که طبع و توزیع شود شور اول این قرارداد ختم شد رای می گیریم بدخول در شور ثانی آقایانیکه دخول در شور ثانی را تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - قرارداد تلگرافی مطرح است - در کلیات مغالفتی نیست

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - قرارداد تلگرافی مطرح است - در کلیات مغالفتی نیست

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۱ - عموم اتباع ایران پس از يك سال از تاریخ تأسیس شعب سبجل احوال ایالات و ولایات باید دارای ورقه هویت باشند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده مخالفم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده یکسال را کم میدانم و برای اینکه هاله مملکت در این مسئله شرکت کنند خوب است اقلاً مدت را دو سال قرار بدهند

رئیس - يك كتابچه است قرائت شود؟ طبع و توزیع که شده است - در ماده سوم هم اعتراضی نرسیده است و همینطور تا ماده ۱۳ آقای افشار (اجازه)

افشار - بنده در ماده چهار عرضی دارم

رئیس - باید قبلاً اعتراض خود را داده باشید که طبع و توزیع شود شور اول این قرارداد ختم شد رای می گیریم بدخول در شور ثانی آقایانیکه دخول در شور ثانی را تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - قرارداد تلگرافی مطرح است - در کلیات مغالفتی نیست

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

قانون سبجل احوال مطرح است - در کلیات مغالفتی است؟

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه اعتراضی دارند باید بدهند به اداره که مطابق نظامنامه بیست و چهار ساعت قبل از شور ثانی طبع و توزیع شود - اعتراض هم باید بعنوان راجع بکمیسیون باشد

و قراءه و باده نشین ها تشکیل میدهند آیا تمام اهالی دهات و قراءه بوقه برقی متوجه میشوند و آن الزاماتی که برای آنها لازم است موجود میشود که بایند و سبجل بگیرند؟

دو صورتیکه آقا خودشان معاینه فرموده اند در طهران چند سال است اداره سبجل احوال داراست و همه گونه محرکات هم فراهم آورده اند و هزار گونه توضیقات ایجاد کرده اند که مردم بیرونند ولو با جبار هم باشد ورقه سبجل احوال بگیرند

با این حال هنوز بقدر نصف یا ثلث مردم ورقه سبجل احوال نگرفته اند و دولت هنوز موفق نشده است عده واقعی اهالی طهران را تشویق دهد

آقا میرزا شهاب مخبر کمیسیون - مقصود از یکسال پس از یکسال در ولایات عموم اهالی اعم از دهاتی و کوه نشین و صحرائنشین و غیره باید دارای ورقه سبجل احوال باشند

خوب است تصدیق فرمائید که این مسئله عملی نیست

ما که نباید شوخی کنیم بنابراین خوب است مدتش را زیادتر کنیم که عملی شود

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده دوم قرائت میشود (باینترتیب خوانده شد)

ماده ۲ - کسانی که قبل از این تاریخ متولد شده اند باید سبجل احوال خود را بوسیله رئیس خانواده در اوراق اظهارنامه (نخستین) نوشته تسلیم مأمور سبجل احوال نمایند

نمونه نمره ۹ اشخاصی که باید اظهار نامه بدهند همچنین رئیس خانواده که باید بوسیله او اظهار نامه مرتب شود هر گاه از انجام تکلیف خود تخلف ورزده مسئول خواهند بود

تبصره - اشخاصی که در تحت قیمومیت شرعی هستند قیم خاص آنها و اگر قیم خاص ندارند مدعی العموم یا قائم مقام او باید اوراق اظهار نامه را نوشته تسلیم مأمور سبجل احوال نماید

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عرضی ندارم

است ؟ باید معلوم شود مردار از رئیس خانواده کیست ؟ مخبر - راجع باین لفظ هم در کمیسیون خیلی مذاکره شد که مقصود از رئیس خانواده کی است ؟ ولی يك نقطه واضحتری که بهتر است مقصود را بکنند بیدانکردم زیرا همیشه رئیس خانواده پدر نیست گاهی میشود هموست ، گاهی دایی است گاهی جد است ، گاهی مادراست . مقصود این است که آن کس که در خانواده سمت ریاست دارد و اخلاقاً سایرین در تحت او امر او هستند او بایستی اینکار را بکند و واضحتر از رئیس خانواده نتوانستیم لفظی پیدا کنیم

آقا میرزا شهاب مخبر کمیسیون - مقصود از یکسال پس از یکسال در ولایات عموم اهالی اعم از دهاتی و کوه نشین و صحرائنشین و غیره باید دارای ورقه سبجل احوال باشند

خوب است تصدیق فرمائید که این مسئله عملی نیست

ما که نباید شوخی کنیم بنابراین خوب است مدتش را زیادتر کنیم که عملی شود

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده سوم (این قسم قرائت شد)

ماده سوم - هر گاه اظهار کنندگان سواد نداشته باشند مأمور سبجل احوال اظهارات آنها را با حضور دو نفر از متصدین محل نوشته بهر مبرسانند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - ماده چهارم (باین مضمون خوانده شد)

ماده چهارم - هر رئیس خانواده برای خانواده خود اسم مخصوص انتخاب کند که تمام افراد خانواده به آن اسم نام برده شود

بنا بر این هر کسی دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانواده و نام مشخص مثلا اسکندر ابراهیم بر فرض اینکه اسکندر نام شخص و ابراهیم نام خانواده او باشد

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده میخواستم در خصوص کلمه رئیس خانواده عرض کنم بسا است که يك خانواده منقسم میشود از چند خانواده و چند رئیس خانواده بآن معنای که آقایان قائل شده اند دارد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده میخواستم در خصوص کلمه رئیس خانواده عرض کنم بسا است که يك خانواده منقسم میشود از چند خانواده و چند رئیس خانواده بآن معنای که آقایان قائل شده اند دارد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

حالا سایر اعضاء خانواده تاجه اندازه نسبت برایشان تبعیت داشته باشند آن امر است که حالا میخواهم عرض کنم ولی يك وقت هست که هر قسمت از این خانواده مطابق رأی و میل خودشان يك سجل احوال برای خودشان انتخاب میکنند و این جا آن رئیس خانواده یعنی آن پیرمردی که آقایان قائلند رئیس خانواده است او را مسؤول قرار داده اند

در صورتیکه حالا بنده نمی بینم چه مردها را آنطور که سابقاً معمول بود جوانها متابعت کنند فرضاً آن پیرمرد آمد و يك اسمی برای خانواده خودش اتخاذ کرد آن وقت پسرش یا برادر کوچکش همچو مقتضی میدانند که يك اسم دیگر برای خودش در نظر بگیرد و اگر اینطور شد چه باید کرد؟ اولی ملتی هست؟

دومی ملتی هست؟ تکلیف اینها چیست؟ در هر صورت خانواده یعنی چه؟ یعنی يك زن و يك شوهر و يك خواهر و يك برادر؟

یا خیر طایفه که يك بزرگتر داشته باشد او رئیس خانواده است ولو چندین خانواده باشند و آن بزرگتر مسؤول گرفتن سجل احوال برای تمام این طایفه است؟

خوبست توضیح بدهند که اسباب زحمت نشود.

مخبر - رئیس خانواده را حضرت عالی هر کس را میخواهید بخوانید همان طور که عرض کردم رئیس خانواده بزرگتر خانواده است و راجع بتعیین اسم هم فرضاً يك رئیس خانواده آمد يك اسم را انتخاب کرد برادرش آن اسم را قبول نکرد برای خانواده خودش انتخاب کرد ضروری بجائی وارد نمیشود.

در صورتیکه معمولاً در موقع انتخاب اسم خانوادگی رئیس خانواده برادر همو دائی و غیره را اطلاع میدهند و آنها که جمع شدند يك اسمی را انتخاب میکنند. فرضاً هم که قبول نکردند فلان رئیس خانواده يك اسم را انتخاب میکنند و آن دیگری اسمی را انتخاب نکنند.

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده پنج (اینطور قرائت شد)

ماده پنجم - القاب همیشه در ورقه هويت بعد از اسم شخص ذکر خواهد شد و مأمور سجل احوال باید سند لقب را معاینه نماید ..

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در هر ماده که اجازه میخواهم میگویند مذاکرات کافی است ولی چون شور اول است بنسبه اهمیت نمی دهم.

در این ماده چون اصولاً من بالقاب مخالف هستم این ماده را زائد میدانم و اگر این ماده را ماصوب کنیم القاب را تبیین کرده ایم و باید در موقع شور ثانی دلائل خود را عرض کنیم

مخبر - بنده با آقای تدین کاملاً عقیده هستم و بالقاب هم مخالف این ماده برای این است که القابیکه فعلاً هست لااقل صحیح باشد.

نه اینکه هر کس بیاید فرضاً فقام - السلطان - فقام التجار - فقام الممالک یا فلان لقب را برای خودش در خارج درست نماید ..

مقصود این است این القاب که فرمان ندارند از بین بروند و اقلاً آن القابیکه صحیح است باقی بماند والا اعضاء کمیسیون هم تماماً با حضرت عالی موافقت میکنند

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده هم با القاب مخالفم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده ششم قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده ششم - مأمورین سجل احوال بر طبق اوراق اظهارنامه برای هر فرد يك ورقه هويت صادر نموده اظهارنامهها را بترتیب حروف تهجی اسامی خانوادگی در دفتر یاد داشت ثبت نموده سپس برای حکومت ارسال مینمایند نمونه نمره ۲

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده بنده در يك ماده قانونی مورد ندارد که ما مواد نظامنامه را بنویسیم که مثلاً اسامی خانوادگی را جلو بنویسند یا اسامی اشخاص را یا مأمور سجل احوال چطور دفتر مرتب کند.

بعقیده بنده این قسمتها در اینجا زائد است و بعلاوه این ماده هم است برای این که میگوید اوراق اظهارنامه و سجل احوال را وقتی که تمام کردند باید تسلیم حکومت کنند.

چطور تسلیم حکومت میکنند! اوراق سجل احوال يك جریان و سوابقی در نظر ما داشته است.

البته هر کس سجل احوال بگیرد يك نام خانوادگی هم برای خودش معین میکند و این اوراق هويت باید در دست خودشان باشد

ولی این ماده میگوید اوراق را باید تسلیم حکومت کنند و بنده اساساً با این ماده مخالفم

مخبر - نماینده محترم در این قسمت دو اشباه فرمودند:

اعتراض اولشان راجع بماده پنج بود که اسم را مقدم بنویسند یا لقب را راجع بقسمت دیگر هم که فرمودند ورقه سجل احوال را برای حکومت میفرستند اینطور نیست.

ورقه سجل را نمیفرستند آن دفتری که اسامی خانوادگی را ثبت میکنند برای حکومت میفرستند و البته ورقه سجل احوال ضبط میشود و ورقه هويت هم بکسیکه ورقه سجل احوال را داده است داده میشود

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عقیده ندارم که دفتر را بدارال حکومت بفرستند چون اداره سجل احوال يك اداره است که باید هم روزها ایجاد و اندام را ثبت نماید یعنی یکی میبرد و یکی بدنیا میآید همه را باید ثبت کنند

بنابر این باید سوادى از برای حکومت بفرستند که حکومت از همه موجودین و مفقودین اطلاع پیدا کند نه اینکه تمام دفتر را بفرستند آنجا

شاید دارال حکومت آتش گرفت آنوقت مجدداً بگذرند سجل احوال دیگری معین کنند و از سر نو شروع کنند

مخبر - اگر مأمور بعد از مراجعه بفرمائید در آن مواد کاملاً تکلیف اوراق سجل احوال معین شده است که هر سال بایستی دفاتری بامضای اشخاص معین برای تمام نقاط فرستاده شود و در جای معین یاد حکومت مضبوط باشد و البته نمیشود در هر نقطه يك ارشيو مفصلی برای اینکار معین کرد در هر سال (ه) دفاتر تمام میشود البته ضبط دفتر را کد خواهد شد و اگر هم این ترتیب را مناسب نمیدانید ممکن است جای دیگری را پیشنهاد کنید شاید کمیسیون هم موافق باشد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین

تدین - موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس - دو دفتر بپیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(پیشنهاد آقای تقی زاده شرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجای لفظ سجل احوال عبارت اسم و رسم در تمام مواد قانون گذاشته شود

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم بجای کلمه حکومت اداره سجل احوال نوشته شود.

رئیس - ماده هفتم (باین ترتیب خوانده شد)

ماده هفتم پس از انقضای سال که تمام سکنه هر حوزه ورقه هويت گرفته اند حکومت خلاصه تمام اظهارنامه های سکنه حوزه حکومتی خود را بترتیب سنوات ولادت در ورقه سجل احوال ولایتی ثبت میکند نمونه نمره ۳

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - چند ماده در این قانون دارد که شرحی نوشته و بعد مینویسد نمونه يك دو سه و اصولاً بنده با آقای ضیاء الواعظین موافق هستم و این مواد را زائد میدانم.

مجلس باید اجازه بدهد بدولت که يك احصایه صحیحی برای این مملکت تنظیم نماید دیگر این که ما بایستیم این نظامنامهها از مجلس بگذرانیم که مثلاً دفترش چه شکل باشد یا نمونه اوراقی که میدهند چطور باشد این اسباب تبیین وقت مجلس است و مثل این است که ما بایستیم این جا نظامنامه داخلی تشکیلات نظمی را بگذرانیم و بگویم مثلاً آزان را بعد از یکسال نمره فلان بدهند یا بعد از دو سال رتبه اش را بالا ببرند و بعقیده بنده اینها جزو نظامنامه داخلی است و اصلاً اینجا لزومی ندارد ذکر کنیم بهتر این بود يك ماده کلی پیشنهاد میکردند که وقت مجلس هم زیاد صرف نشود ولی حالا که این مواد را پیشنهاد کرده اند خوب بود بطور کامل پیشنهاد میکردند زیرا در صورتیکه بنا است نظامنامه هم از مجلس بگذرد باید يك نظامنامه ناقص نباشد

مخبر - نمونه هایی که نوشته شده است اصلش در کمیسیون هست و ممکن است آقای ملاحظه فرمایند و چون يك ورقه های بزرگی بود از این جهت چاپ کردنش حالا بی موقع بود.

در آن اوراق اسم خانوادگی و اولاد و محل سکنتی و سن و شغل و اینطور چیزها را می نویسند و اما نسبت به نظامنامه

فرمودید بطور کلی يك ماده بنویسند و بدولت اختیار بدهند اگر این اصل کلی را قابل میشدیم آنوقت باید در قانون انتخابات هم تمام مواد را بگذرانیم کنار و بگوئیم دولت يك وکلای انتخاب بکنند و مجلس بفرستد بفر ترتیبی هم که باشد عیب ندارد و حال اینکه بنده در همان نظامنامه هایی هم که در قانون اجازه داده میشود عقیده ام این است که باید آنها هم در اینجا تصویب شود.

زیرا اغلب شرایبهائی که واقع میشود در اثر همان نظامنامهها است.

نظامنامه تجدید تریاک را ملاحظه فرمائید به بینید چه اشکالاتی برای مردم تولید می کند و باین ترتیب بنده گمان میکنم این قسمت ها لازم است در هر قانون نوشته شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده هشتم (باین عبارت قرائت شد)

ماده هشتم - فوت و ازدواج و طلاق اشخاصی که ورقه هويت گرفته اند پس از فصول راپرت مأمور سجل احوال در دفتر سجل احوال ولایتی در مقابل اسم شخصی در ستون مخصوص ثبت میشود

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده تصور میکنم که این ماده در مورد فوت يك نقضی دارد زیرا اطلاع دادن بدوائر سجل احوال راجع بفوت يك تکلیفی است که باید معین شود بعقیده کی است و از این نقطه نظر ممکن است در مواردی که این قبیل اتفاقات امتداد در تعیین شخص متوفی و این که مسؤولیت اطلاع ندادن متوجه کیست تولید اشکالاتی بشود.

این است که بنده معتقدم این ماده باید اصلاح شود

تا اینکه شخص مسؤول بعد از متوفی معلوم شود کیست

مخبر - در مواد بعد شخص مسؤول بعد از متوفی ذکر خواهد شد و اگر مراجعه فرمائید در آنجا گفته است که چه اشخاصی بایستی بداره سجل احوال و مأمور آن اداره اطلاع بدهند و در این ماده فقط وظیفه مأمور سجل احوال را معین کرده است که پس از آن که راپرت فوت یا ازدواج یا طلاق بامور سجل احوال رسید باید در آن دفتری که راجع باین مسئله است ثبت

کند و ترتیب اینکه اگر کسی مرد چطور اطلاع بدهند بامور سجل احوال در مواد بعد هست

رئیس - ماده نهم (اینطور خوانده شد)

ماده نهم - از این تاریخ کلیه رؤسای خانواده ها مکلفند ولادت ازدواج طلاق وفوت افراد خانواده خود را منتهی در ظرف ده روز بامور سجل احوال محل اقامت خود یا شهادت دفتر اطلاع دهند و نیز ازدواج کنند و طلاق دهندند مسؤولیت دارد که مراتب را بر رئیس خانواده خود اطلاع دهد.

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده تصور میکنم علاوه بر اینکه این ماده يك اشکالاتی برای مردم فراهم میکند مأمورین ادارات سجل احوال هم نمیتوانند کاملاً موفق بانجام خدمات خودشان بشوند

برای این که این ماده وظایفی را متوجه رؤسای خانواده ها میکند درحالتیکه آنها اینقدرها فراغت ندارند که بتوانند باین قبیل امور رسیدگی کنند یا شاید حاضر نباشند

زیرا میگوید رؤسای خانواده ها بایستی دقت کنند و در ظرف ده روز اگر کسی مرد یا متولد شد بروند بداره سجل احوال اطلاع بدهند

حالا اگر رئیس خانواده حاضر نبود آنوقت تکلیف چه خواهد بود تکلیف اداره سجل احوال چیست؟

بعلاوه این ماده ناقص است برای اینکه بسیاری از جاها هست که اداره سجل احوال نیست ممکن است در يك ایلی يك روز يك طفلی متولد شود یا کسی فوت نماید آنوقت این رئیس خانواده چطور میتواند از شش فرسخی یا ده فرسخی بداره سجل احوال اطلاع بدهد

درحالتیکه مادر این قانون ادارات سجل احوال و مفتشین بسیاری قائل نشده ایم در این صورت بعقیده بنده این ماده ناقص است و اشکالات زیادی هم برای مردم و هم برای اداره سجل احوال تولید میکند.

مخبر - اینکه آقای فرمودند از برای رئیس خانواده تولید زحمت میکند البته هر قانونی که وضع میشود زحمانی هم برای يك عده فراهم میکند و اگر بخوایم زحمتی برای کسی قائل نشویم مستلزم این است که نه قانون و نه اداره و نه دفتر سجل احوال داشته باشیم

ولی اگر بخوایم این قانون را مجری کنیم و ورقه هويت بدهیم و اظهارنامه بگیریم البته این قسمت ها بعقیده هر کس باشد يك زحمتی دارد و اگر شما تا این

اندازه از زحمت احتراز مینمائید پس خوب بود از اول در گفتار مخالفت میکردید و در مواد بعد هم تکلیف این قسمت ها را معین کرده است که اگر رئیس خانواده نباشد بعقیده قائم مقام او است و راجع باایلات هم که فرمودید البته هر ایلی يك بزرگتری دارد و اینکار هم بعقیده او است و دیگر اینکه ایلات که در حرکت هستند اداره سجل احوالشان هم در حرکت است و در هر کجائی که باشند اداره سجل احوال هم همراهشان هست و تکلیف آنها هم معین است و اسباب نگرانی نیست.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در احضار نامه ها اینکه در عدلیه هست یک هفته مدت معین میکنند و مدعی علیه حاضر شود و اگر حاضر نشود او را غائب می نویسند و اگر در خارج باشد احضار نامه که برایش میفرستند برای هر فرسخ بیکروز وقت معین میکنند ولی این جا بطور مطلق نوشته شده است در ظرف ده روز بامور سجل احوال اقامت خود را با شهادت دفتر اطلاع دهند.

مایک قانونی که میگذرانیم بقدری از برای آن توسعه بنظر من می آید که حد و حصر ندارد.

از این جا تا پشت کوه طهران ده فرسخ راه است و حوادث هم بقدری در بین هست که حدی برایش تصور نمی شود آنوقت آن کسی که از ده فرسخی و هشت فرسخی باید بیاید طهران ورقه هويت بگیرد چطور میتواند در ظرف ده روز باین مواعینی که در پیش است خود را بداره سجل احوال برساند؟

باینکه در ده او اند يك کسی یکی از بستگانش فوت کرد این بیچاره چطور میتواند در ظرف این مدت بداره سجل احوال اطلاع بدهد؟

زیرا این شخص تازه روز باید از آمدن مردم پذیرائی کند.

این دیگر چگونه میتواند در این مدت قلیل بیاید طهران و بگوید پدر من مرد یا پسر مرد؟ و این عبارت که بطور مطلق ده روز معین کرده.

يك نشانی فوق العاده است بمردم و علاوه بر این در تبصره که ملاحظه می کنید نوشته است

اشخاصیکه در تحت قیمومیت هستند یا کسانی که ولی خاص ندارند مدعی العموم باید اطلاع بدهد.

اینهم معلی نیست.

بجهت اینکه مدعی العموم باید متصل در هر جائی بگردد و این اطفا لیکه اطراف و اگر آنها میشدند به بینند اینها ولی خاص دارند یا ندارند و ثبت کند که اینها حاجاتشان

کجا است ما نشان کجا است.

این مسئله دوریست زیرا این قسمت ها را وقتی میتوان تشخیص داد که سجل احوال هويت تمام افراد را معین کرده باشد.

آنوقت مدعی العموم این کار را بکنند والا بقول مطلق بچه هائی که ولی خاص ندارند مدعی العموم مسؤول هويت آن ها است.

اینکه نمی شود.

مدعی العموم کف دستش را که بو نکرده است!!

که بدانند این بچه هائی که مستعد ولی خاص دارند یا ندارند و این طرز قانون نوشتن اسباب زحمت يك اداره خاصی مثل اداره مدعی العموم میشود.

مخبر - اینکه آقای اظهار نگرانی می کنند از اینکه اگر بگردد در یکی از دهات یا قیابیت مرد اسباب زحمت است که در این مدت ده روز بداره سجل احوال اطلاع بدهند.

این نگرانی ایشان انشاء الله در شور دوم مرتفع خواهد شد.

زیرا معلوم میشود مواد بعد ملاحظه فرموده اند و در مواد بعد خواهند دید که حتی در قیابیت و دهات هم مأمور سجل احوال هست یعنی همان که خدائی که آنجا است يك دفتری دارد که هويت اشخاص را باید ثبت کند و خیلی هم آسان تر از این است که در طهران مثلاً بعضی از اشخاص از دروازه قزوین بیایند بداره بلدیه اطلاع بدهند.

و اما نسبت بقسمت دیگر که ولی خاص و مدعی العموم باشد در کمیسیون هم دچار این اشکالات شدیم که اشخاصی که بی بضاعت و بیانی هستند یعنی اطفالی که پدر و مادرشان معلوم نیست این را بچه وسیله میتوان احصائی شان را معین کرد این بود که این کار را از وظایف مدعی العموم دانستند و حالا اگر آقای يك تشخیص دیگری را برای انجام اینکار مناسب تر میدانند پیش نهاد کنند البته کمیسیون هم مخالفت نخواهد کرد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده تصور میکنم که این ترتیب يك تکلیف مالا باطنی برای رئیس خانواده زیرا باید مقدم طلاق فوت تولد تمام آنها را اداره سجل احوال اطلاع بدهد این رئیس خانواده را آنطور که بنده فرض کرده ام موجود قدرت و تسلطی ندارد مثلاً اگر مؤسین فرضی این رئیس فرض نخواستند بر رئیس خودشان اطلاع بدهند آن وقت تکلیف این رئیس فرضی چیست؟ به علاوه میخواهم عرض کنم که هیچ قانونی نمیتواند فتو ازدواج را محدود بکند.

فرض کنید سبزی خواست بدون اطلاع پدرش زنی اختیار کند آن وقت این عقد راجحکار می‌گردد؟

نمی‌پذیرد.

بنده عرض میکنم شما قطعاً نمیتوانید بجهت اینکه این پذیرفته‌ست و دیگر محتاج پذیرفتن شما نیست آن وقت شما چکار میکنید؟

شما میگویید رئیس خانواده حتماً باید خبر بدهد در صورتیکه او خبر نداده و مرد و زن هم باو اطلاع نداده‌اند بلکه آن مرد و زن خودشان را از رئیس تر از رئیس میدانند و گوید آن رئیس قدیمی است و محل اعتناء نیست و یکطور است که خودش را بالاتر از او میدانند در هر حال بنده عرض میکنم که این ترتیب اسباب ایجاد زحمت و اشکال فیما بین میشود و بالاخره بعضی از قسمت هایش را هم قول قطعی میدهم که عملی نخواهد شد.

مغیر اینچنانکه بنده نشسته بودم بعضی از آقایان به بنده نوشته‌اند که بگذارید موافقت هم دلالت موافقت خودشان را اظهار کنند و بعضی هم نوشته‌اند از آقای کازرونی و سایر آقایان مخالفین را محل قضیه را بخواهید که چه باید کرد؟

و دیگر اینکه عرض میکنم نه تنها شما طرفداری از رئیس خانواده میکنید بلکه قانون هم طرف داری کرده‌است و میگوید آن کسیکه طلاق میدهد با ازدواج میکند ملزم و مجبور است بر رئیس خانواده اطلاع بدهد و اگر اطلاع ندهد یک مسئولیتی متوجه او میشود و ضمناً رفع مسئولیت از رئیس خانواده هم میکند و هیچ اشکالی هم ندارد

رئیس آقای شریعت زاده مخالفند؟

شریعت زاده - بلی.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - اعتراض بنده از دو جهت است.

یکی این است که در این ماده مینویسد رئیس خانواده از این تاریخ باید ازدواج و طلاق و فوت را اطلاع بدهد.

ماده ۳۱ که در آنجا میگوید از چه موقع این قانون بموقع اجراء گذارده میشود اساساً نباید در وقتیکه وضع قانون میشود گفته شود از این تاریخ زیرا معنای این جمله این است که از تاریخ انشاء مکلفند بانجام این عمل و حال آنکه اینطور نیست.

دیگر قسمتی است که مربوط است بتکلیف رئیس خانواده راجع با اطلاع دادن ازدواج و عقد.

بنده تصور میکنم این تکلیف باید متوجه داماد باشد زیرا آن کسیکه رشتهدار

فرض کنید سبزی خواست بدون اطلاع پدرش زنی اختیار میکند هیچ دلیل ندارد تکلیفی که متوجه باو است بپذیری و اگذار کند

رئیس - آقای هرمزی موافقت؟

هرمزی - خیر بنده همین اعتراض را که آقای شریعت زاده فرمودند داشتم

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - بنده خیال میکنم ایرادات آقای شریعت زاده صحیح بود ولی راجع با ایرادات سایر آقایان میخواهم عرض کنم بقیه بنده بهترین قوانینی که برای مردم نافع است همین قانون سبج احوال است که بمجلس آمده

زیرا در روی این قانون است که مالیات ها تبدیل میشود و انتظامات درست میشود و بالاخره حکومت ملی مان در تحت این قانون محکم میشود

پس اگر زحمتی هم متوجه اشخاص نماید وقتی که آن حرمان را با منافی که ممکن است از این قانون بدست آمده بسنجم می بینیم منافعش خیلی زیادتر است و حقیقتاً باید آن حرمان را تمیل نمود

مثلاً خریدن يك لیوان بلور و آب ریختن ویج انداختن در آن خوردنش زحمت دارد ولی البته خیلی بهتر از این است که با کف دست آب خورد و خیلی هم فرق دارد

مثلاً اجدادمان با کف دست آب میخوردند ولی تا حالا که خوراک درست میکنند و توی ظروف مختلفه میکشند و میخورند خیلی تفاوت کرده‌است و البته نوشیدن و خوردن هم زحمت دارد.

شما شهادت سال هفتاد سال هم تان را صرف میکنید برای اینکه بخورید و بنوشید البته این کار هم زحمت دارد و بصرف اینکه زحمت دارد نمی‌شود ما این قانون را تصویب نکنیم و بگوئیم برای مردم زحمت دارد که بروند اسم خانوادگیشان را ثبت کنند!

البته باید شما مردم را تشویق کنید بصحبت بیایید و بکار بیندازید تا اینکه بروند اسم خانوادگیشان را ثبت کنند دیگر اینکه تکرار کردن که زحمت دارد مناسب ندارد و باید مردم خیلی متشکر باشند که چنین اداراتی درست و تاسیس شده‌است و میخواهند ترتیب زندگانی‌شان را اداره کنند

اینکه میفرمائید مأمور نیست و باید بدهد یا زنده فرسخ راه بیاید و زحمت بکشد لازم است عرض کنم که الحمدلله چیزی که ما زیاد داریم و از آن احیث غنی هستیم همان مأمور است

در هر کوره دهی مأمور داریم مأمور حکومت مأمور امینه مأمور سبج احوال در هر

جا هستند ممکن است یکی از آنها را مأمور این کار کنیم و تمام این ادارات هم جزء وزارت داخله است و وزارت داخله هم در همه جا جاها کم و مأمور دارد و بمحمدالله در همه جا یعنی در هر کوره مأمورین مختلف هستند و فرضاً در یک جا اگر مأمور ندارد مثلاً در فلان ده کدخدای حکم مأمور دارد و شخص ازدواج کننده بکدخدای میگوید من عروسی کرده‌ام بملاوه خود کدخدای در مجلس عروسی میرود و می بیند و ثبت می‌کنند.

اینها اشکال ندارد و اینقدر دلسوزی برای مردم نمیدانم برای چیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می‌خواستم جواب آقای شریعت زاده را عرض کنم بعضی از نمایندگان مذاکرات کفایت

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد می‌نمایم ماده ۹ و بنوع ذیل اصلاح بشود.

از زمان تاسیس اداره سبج احوال و گرفتن ورقه هویت روسای خانواده به بهائی - بنده پیشنهاد مینمایم که که در ماده ۹ هم برای اشخاص معروف و غیر معروف حذف شود و این شکل اصلاح شود که که برای اشخاص غیر معروف دو نفر معرفی

دکتر احیاء السلطنه بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۹ هم تکلیف اطلاع دادن عقد و طلاق با اداره سبج احوال بمعهده خود صاحب عقد و طلاق باشد فیروز.

رئیس - ماده ۹ هم قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۰ - مأمور سبج احوال خلاصه سبج ولادت را در دفتر مخصوص ثبت نموده ورقه هویت صادر مینماید.

نمونه نمره ۴

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده با این ماده مخالفتی ندارم فقط این ماده را در این قانون زائد میدانم و این را یکی از مواد نظامنامه داخلی ادارات میدانم.

رئیس - دیگر مخالفتی ندارد؟

(گفتند خیر)

ماده یازده را اجازه میدهم بماند برای بعد از تنفس جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ربع مجدداً تشکیل شد

رئیس - ماده یازده قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۱ درموقع ازدواج و طلاق مأمور سبج احوال سواد مصدق از وره ازدواج و طلاق که بامضای مجری صیغه رسیده است گرفته ضبط می‌نماید و خلاصه آنرا در دفتر مخصوص در ورقه هویت زوجین ثبت میکند ثبت قطعی طلاق بعد از آنست که تفکیک قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید ثبت شود که دفعه چندم است.

نمونه نمره ۵ و نمره ۶

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای امیر زاعلی کازرونی - بنده نمیفهمم چه دلیلی دارد که سواد وره عقد و طلاق باید از صاحبان عقد و طلاق گرفته شود و برای چه باید ثبت شود که دفعه چندم است؟

اگر در حقیقت يك حکمتی دارد اقل مفسده ندارد خوبست آقای مغیر توضیحاتی در این باب بدهند تا بنده قانع شوم.

مغیر - اعتراض آقای کازرونی دو قسمت بود.

یکی اینکه چرا مردم باید سواد وره طلاق یا عقدا با اداره سبج بدهند دیگر اینکه چرا باید ثبت کنند که دفعه چندم است

گمان میکنم این دو قید هر دو لازم است دولت در لایحه که بکمیسیون فرستاده بود معتقد بود که باید اصل اوراق عقد و طلاق را با اداره سبج احوال بدهند.

ولی کمیسیون نظر باخلاف و عادات ایرانیها این مسئله را نپذیرفت از این جهت معتقد شد که سواد مصدق از آن اوراق را با اداره بدهند و این ترتیب لازم است زیرا کاغذ عقد یکی است و آنرا معمولاً بدست زن میدهند و بعضی مفاصه دارد.

اولاً ممکن است زن کاغذ را بردارد و منکر شود اشخاصیکه در کارهای قضتی داخل بودند مکرر این ترتیب را دیده‌اند چنانچه ای چون نبود باید بنده اما اینکه می‌فرمائید چرا باید ثبت شود که دفعه چندم است.

این قید هم لازم است زیرا يك کسی مثلاً چهار زن گرفته و پنجمی را که بگیرد مرتکب يك خلاف شرعی شده اگر این قید بشود و باز آن شخص بخواهد زن بگیرد مأمور سبج احوال میتواند باو بگوید که تو چهار زن داری و دیگر لازم نیست ناهل اختیار کنی

در اینجا در واقع يك امر معروف و نهی از منکر می‌شود و هیچ اشکالی

هم ندارد.

اگر طلاق قید شده است که ثبت شود برای این است که البته همه بدانند طلاق قید شده است که ثبت میشود که معلوم باشد طرف منکر نشود.

پس با ذکر این مراتب این ماده اشکالی ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کفایت

رئیس - ماده دوازدهم قرائت می‌شود.

(باین نهج خوانده شد)

ماده ۱۲ - درموقع فوت مأمور سبج احوال قضیه را در دفتر مخصوص ثبت و ورقه هویت متوفی را باطل می‌نماید نمونه نمره ۷

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - ماده سیزدهم قرائت می‌شود.

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۳ - قابلات و سالها باید در ظرف ۲۴ ساعت مأمور سبج احوال را کتباً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند و در صورت تخلف ازینج تاسی روز در صورت تکرار تا ششماه حبس خواهند شد.

این ترتیب مطلق است و معلوم نیست که این حبس قابل ابتیاع است یا نه و اگر بنا باشد این حبس غیر قابل ابتیاع باشد بقیه بنده برخلاف حس و وجدان است.

اولاً باید تفکیک شود که قابل ابتیاع هست یا نه و از پنج روز تاسی روز زیاد است عقیده‌ام این است از سه روز تاسی روز معین شود.

مغیر - مدت راه چه آقایان رأی بدهند کمیسیون مخالفتی ندارد و حبس هم حبس قابل ابتیاع است و در مواد بعد هم تصریح دارد.

اما نسبت به بیست و چهار ساعت که

فرمودند کم است . . گمان میکنم زیاد ترش صلاح نباشد .

زیرا فرضاً يك نفر را کشته‌اند یا مسموم کرده‌اند و در موقتی که میخواهند او را غسل بدهند اگر بنا شود در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع دهند و در مدت زیادتری اطلاع بدهند آنوقت آن نتیجه که باید از مایه شخصی متوفی بگیرند از میان خواهد رفت و همچنین در مسئله تولد و این هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عقیده بنده این است دلالتی که آقای مغیر اظهار کردند متعین نیست . .

زیرا اگر در ظرف بیست و چهار ساعت قائل شدند اطلاع بدهند برای اینکه اقداماتی که برای شخص متوفی یا مسموم بشود همان اقدامات را هم ممکن است بعد از ۴۸ ساعت یا پنج و شش ساعت بعد نمود چه بیست و چهار ساعت باشد چه دروز از حیث مدت فرقی ندارد و هر اقدامی که باید بشود می‌شود . . و همچنین راجع بتولد و در هر صورت باید يك ادله بیآورند که مقنع باشد والا نباید يك مدتی را قرار داد که مردم در مضیقه باشند بنده مخالف با التزامات بیستم ولی با این مدت کم مخالفم . .

مغیر - اگر نماینده محترم یکمذمت کمتری را پیشنهاد کنند چون مسئله اهمیت دارد ممکن است کمیسیون قبول کنند ولی زیادتر از بیست و چهار ساعت را کمیسیون نمیتواند قبول کند.

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . . ماده چهاردهم قرائت میشود (باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۴ - در غیاب رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد ارشد و یا هر کس که قائم مقام آنها باشد مجبورند تولد و فوت و ازدواج و طلاق را در مدتی که در ماده ۹ قید شده بمأمور سبج احوال راپرت دهند .

رئیس - راپرت جدید کمیسیون قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۴ - در غیاب رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد ارشد و یا هر کس که قائم مقام آنها باشد . . تا آخر . .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی

ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - در اینجا سایر اعضاء خانواده را هم تقریباً مسئول میکند با مقام مقام . . و در حقیقت يك مسئولیتی متوجه اشخاص غیر مسئول میشود در صورتیکه مسئول حقاً همان زوج یا زوجه است .

زیرا آنها مباشر عملند و سایر اعضاء خانواده و افراد عاقله که اسامیشان ذکر شده‌اند نمیدانم چرا باید آنها هم مسئول باشند .

بنده این قیود را خیلی زیاد میدانم و عقیده‌ام این است ازدواج کننده و کسی که صاحب مولود است یعنی پدر یا مادر باید مراتب را اطلاع دهند .

مغیر - برای اینکه کار در تحت یک امر مرتبی در آمده باشد دولت پیشنهاد کرده و کمیسیون هم قبول کرده است که رئیس خانواده را مسئول و دیگران را مسئول او قرار دهند حالا در این ماده تکالیفی را که مقرر است با اداره سبج احوال اطلاع دهند ذکر کرده‌اند مثلاً مینویسد طفلی که متولد میشود پدر باید اطلاع بدهد اگر پدر نباشد مادر باید اطلاع بدهد و همین طور سایرین و این مسئله اینقدرها اشکال ندارد اینقدر هم ما نباید ایرانیها را تنبیل فرض کنیم حتی اینکه حاضر نشوند بروند دو کله سبج احوال خودشان را بنویسند .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در این ماده برای رئیس خانواده یا قائم مقام او تکلیفی معین کرده و این همان تکلیفی است که در ماده قبل برای قایم مقامها و غسالها معین شده بود در آنجا يك تکالیفی برای قایم مقامها و غسال قائل شده بود و در مقابل تعصاف قایم مقامها و غسالها مجازاتش معین شده بود .

بقیه بنده باید مخصوصاً در این مورد اگر رئیس خانواده یا قائم مقام او هم تکلیف کردند و اطلاع ندادند برای آنها هم يك مجازاتی منظور شود یکی دیگر در این ماده همان اشکالی که در ماده ۹ وارد بود وارد است برای اینکه تاریخی را که ماده ۹ معین کرده تاریخ تصویب قانون است و در اینجا هم اشاره بان ماده شده است دیگر عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مشار اعظم - بنده و هر کس که قائم مقام آنها باشد حذف میشود

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد

میکند در ماده ۱۴ کلمه (راپورت) بکلمه (اطلاع) تبدیل شود

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود (باین شرح خوانده شد)

ماده ۱۵ - مأمورین سبج احوال باید ولادت و فوت ، ازدواج و طلاق ساکنین محل خود را در طرف روز اول ماه بعد بمحکومت راپورت دهند .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس ماده ۱۶ - بر ترتیب ذیل قرائت شد (ماده ۱۶ - هر يك از مأمورین سبج احوال چهار دفتر برای ولادت فوت ازدواج و طلاق خواهند داشت .

رئیس - مخالفی ندارد (گفتند خیر)

رئیس - ماده ۱۷ (اینطور بنخوانده شد)

ماده ۱۷ - در هر کز هر حوزه ولایتی علاوه بر دفتر مذکور در ماده هفتاد و نهم موسوم بدفتر موالیه ولایتی ترتیب داده میشود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در يك ستون و در ستونهای دیگر ازدواج و طلاق و وفات آنها ثبت میشود نمونه نمره ۸

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بقیه بنده اسنی که برای دفتر در ماده هفده معین شده است صحیح نیست زیرا اگر درست وقت شود دفتر ورقمی سبج احوال همین دفتر است برای اینکه شامل چهار دفتر که عبارت است از ازدواج طلاق تولد و فوت میباشد و دیگری که جاهای مخصوص برای قید این مسائل در او معین شده باید اسمش را دفتر سبج احوال بگذارند نه دفتر موالیه ولایتی

مغیر - اگر ترتیب بهتر باشد پیشنهاد بفرمائید کمیسیون هم در قبولش مخالفتی ندارد .

ولی اساساً در این مملکت تازه سبج احوال دائر شده يك قسمت راجع باشخاص

است که متولد شده اند و وجود دارند يك قسمت برای اشخاصی است که بعد از این متولد خواهند شد و برای اینکه عده مولدات هم معلوم باشد والیه آنها هم وقتی که بزرگ شدند چون عقد دارند. طلاق دارند فوت دارند این دفتر تخصیص داده میشود برای کسانی که بعدها بدنیا میآیند که هم تولد وهم ازدواج وهم طلاق وهم فوتشان در آن دفتر نوشته میشود وهم چنین سایر قضایا و حوادثی که برای آنها اتفاق بیفتد باید در آنجا ثبت گردد

رئیس - آقای تهرین (اجازه)

قدین - عرضی ندارم

رئیس - ماده هجدهم قرائت میشود (باین کیفیت خوانده شد)

ماده ۱۸ - در کلیه دفاتر سجل احوال اعداد باید باتمام حروف بضمیمه از قلم بنویسد نوشته شود و تاریخ قمری نیز تطبیق شود

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - ماده نوزدهم خوانده میشود (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۹ - دفاتر سجل احوال باستانی دفتر مذکور در ماده ۷ سال بسال تجدید شده اوراق آن را قبل باید رئیس نظمی در شهرها و صاحب منصبان امنیه در قصبات و قراه نمره گذارده امضا نمایند

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۰ - دفاتر سجل احوال باید پاکیزه و مرتب نوشته شده و بین السطور چیزی نوشته نشود و جای سفید نداشته باشد و هر گاه در نوشتن سهوی حاصل شده و محتاج بتصحیح شود ذیل آن را باید مأمور سجل احوال و نویسنده دفتر تصدیق نمایند

رئیس - مخالفی ندارد؟ بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت می شود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۱ - هر گاه اختلافی راجع باستناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در مقام ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین معاکم صلح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف معاکم مزبور بهیچ وجه احکام قطعیه اسناد مذکور بهبطال نشود دارای اعتبار خواهد بود و فقط معاکم مزبور میتوانند بتصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رای محکمه را در دفتر مخصوص

ثبت و در حاشیه دقت اصلاح شده قید می نماید

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیست و دوم (اینطور خوانده شد)

ماده ۲۲ - بهر ورقه هوبتی که داده میشود و هر سواد مصدق یا تصدیقی که در دفاتر سجل احوال با شخص ذی نفع ممکن است داده شود بکفران تمبر الصاق میشود و فقرا بصندوق نظمی یا شعبات آن در شهرها و نایب الحکومه در قصبات و کدخدای در دهات از تادیه وجه تمبر معاف خواهند بود

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده مخالفم باینکه این مسئله ما بازاء داشته باشد زیرا این یکی از تکالیف دولت است و باید خود دولت ترتیب احصائیه مملکت را عهده دار باشد

بلی اگر مراجعاتی با اداره سجل احوال شده و بک سواد هائی مردم خواستند در آنصورت اگر يك مابازائی داشته باشد و بک قیمت تمبری ملحوظ کنند حرفی نیست ولی اساساً در این قانون برای سجل احوال حق معین کردن بخصوص با اخلاق مردم خوب نیست و بنده با این حقی که معین کرده اند مخالفم زیرا این ترتیب اسباب معطل کردن مردم است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که این ادارات آخر يك مضارعی دارند

اولاً این حق تمبر فقط بکفران است و همچو چیز عمده نیست و ضرری بجائی ندارد

ثانیاً ما باید يك نظری هم با ادارات و عوانه خودمان بکنیم

وقتی که مالزوم این موسسه را تصدیق میکنیم و قائل میشویم باینکه ما هم مثل ملل متدنه دیگر دارای اداره سجل احوال و خانواده و احصائیه باشیم لابد يك مضارعی

هم باید برایش منظور کنیم و این مبلغ اقل چیزی است که منظور شده و بکفران چیز زیادی نیست و اهمیتی ندارد

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده موافقم

رئیس - ماده بیست و سوم (اینطور خوانده شد)

ماده ۲۳ - پس از یکسال از تاریخ اجرای سجل احوال مأمورین دولتی موظفند در موقع صدور کلیه اسناد رسمی از قبیل تعرفه انتخابات و جواز حمل اسلحه و غیره و کلیه مراجعات اشخاص با ادارات دولتی ورقه هوبت مطالبه نمایند و الا مطابق ماده بیست و هفتم مجازات خواهند شد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده بیست و چهارم (باینضمون قرائت شد)

ماده ۲۴ - پس از یکسال از اجرای سجل احوال کسانی که ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مواد ۱-۲-۳-۴-۹-۱۴ بر عهده آنها قرار گرفته انجام نمانند از دو روز تا ده روز و در صورت تکرار از ده روز تا یکماه ب محکمه صالحه محس خواهد شد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در اینجا که ذکر کرده اند از ده روز تا یکماه محس شوند اشخاصی هستند که در خارج تهران هستند و ممکن است اطلاع پیدا نکنند آنوقت چه خواهد شد؟

بعلاوه بنده يك ماده را زیاد میدانم و خوب است مدت محس کمتر شود تا اسباب زحمت فراهم نشود

مخبر - پیشنهاد دولت از شش روز تا یکماه و در صورت تکرار شش ماه بوده کمیسیون مدت را زیاد دانست و این مدت را تعیین کرده و گمان میکنم چیز زیادی نیست

البته برای متخلف از قانون باید يك جزائی معین کرد

بعلاوه نوشته شده است که این محس قابل ابتیاع خواهد بود در اینصورت اشکالی ندارد و حق ابتیاعش هم خیلی جزئی است از دوقران است تا پنج تومان

در اینصورت چندان اشکالی ندارد و متخلف فرضاً دوقران یا چهارقران میدهد و حبسش را میبرد

رئیس - ماده بیست و چهارم از روی راپورت جدید قرائت میشود

(این ترتیب قرائت شد)

ماده ۲۴ - پس از یکسال از اجرای قانون سجل احوال کسانی که ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که مواد ۲-۳-۴-۹-۱۴ بر عهده آنها قرار گرفته انجام نمانند تا آخر

رئیس - ماده يك حذف شده است - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - اصلاً مرا نامها با قانون دوتا است

در مجلس دوم يك اساسنامه برای وزارت معارف نوشتند و در آنجا تصریح کردند که تعلیمات در مملکت باید اجباری و عمومی باشد

این مرام ماهست ولی در وقتی که ما پول و معلم پیدا کردیم اینچاهم نوشت است اگر استنکاف کردند آنها را بپرنه و حبس کنند

خوب باید فهمید اصلاً دولت اینقدر محس دارد؟

قانون را باید عملی نوشت در تهران که ا-الاعات مردم بیشتر است ما می بینیم مدتی است که این قانون را عملی کرده اند و هنوز نتوانسته اند اجرا کنند

آنوقت اینجا مینویسد پس از یکسال هر کس ورقه نگرفت دولت او را باید محس کند اگر دولت میتواند اینقدر محس تهیه کند بنده مخالفتی ندارم

مخبر - مسئله سجل احوال مدنی است در مرکز جاری است ولی تا بحال قانونی نبوده است که مردم خود را مجبور و مکلف باجاری آن بدانند و البته بعد از آنکه قانونی شد و از مجلس گذشت مردم مکلف خواهند بود بر طبق آن رفتار کنند و اشکالی هم ندارد

مطابق مواد هم که بعد خواهد آمد از طرف دولت دوام بدوام اعلاناتی در این موضوع خواهد شد و مردم تذکر میدهند و مواد قانونی را با آنها اطلاع میدهند و با این ترتیب و تذکر در آخر سال اصلاً کسی باقی نخواهد ماند که محتاج به محس شود اگر کسی هم در آخر مدت باقی ماند و بقانون عمل نکند مجازات خواهد شد

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود

ماده بیست و پنجم - کسانی که سند سجل احوال جعلی یا عالمی سند معمول است استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال و اگر کسی در این مدت مجازات داشته باشد اگر کسی جعل کرد یا ورقه جعلی را استعمال کرد اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

مخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای نتایج سوئی است که بآن واسطه آن شخص می خواهد بمنافعی برسد

دولت آن ثقل را جزو جنایات نقلی کرده بود و کمیسیون هم همینطور تصور کرد

والیه يك چنین شخصی با آن دزدی که حضرتعالی فرمودید هیچ فرقی نخواهد داشت

اصلاً وقتی که شما حاضر شدید دزد و متقلب را مجازات کنید دیگر در مملکت دزدی باقی نخواهد ماند و ما باید طوری بکنیم تا انشاء الله شاید ثقل و تزویر از مملکت ما بر طرف شود و از بین برود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

شاهزاده غلامحسین میرزا - اشکال بنده راجع بهمان عبارتی بود که آقای طهرانی متذکر شدند

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود (باین کیفیت خوانده شد)

ماده بیست و ششم - محس هائی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکنند بمناسبت تمکن و با رضایت کیفیت ارتکاب از فراد روزی ۲۱ قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود

مخبر - راپورت قلم چاپ شده است

در راپورتی که کمیسیون داده از دو قران تا پنج تومان است و از يك و دو قران تا پنج قران غلط است و در مطبوعه قلم چاپ شده است

در اینصورت تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات هم فرود اول تجاوز نخواهد کرد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنظر بنده همچو بنمایید که اصل عبارت غلط است

زیرا سند سجل احوال جعلی باید باشد جعلی نوشته شده است

اگر کلمه جعلی جعل شود بنده مخالفتی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده نمیدانم اگر کسی که ورقه سجل احوال جعل کرد یا ورقه جعلی را استعمال کرد اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

مخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای نتایج سوئی است که بآن واسطه آن شخص می خواهد بمنافعی برسد

دولت آن ثقل را جزو جنایات نقلی کرده بود و کمیسیون هم همینطور تصور کرد

والیه يك چنین شخصی با آن دزدی که حضرتعالی فرمودید هیچ فرقی نخواهد داشت

اصلاً وقتی که شما حاضر شدید دزد و متقلب را مجازات کنید دیگر در مملکت دزدی باقی نخواهد ماند و ما باید طوری بکنیم تا انشاء الله شاید ثقل و تزویر از مملکت ما بر طرف شود و از بین برود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

شاهزاده غلامحسین میرزا - اشکال بنده راجع بهمان عبارتی بود که آقای طهرانی متذکر شدند

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود (باین کیفیت خوانده شد)

ماده بیست و ششم - محس هائی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکنند بمناسبت تمکن و با رضایت کیفیت ارتکاب از فراد روزی ۲۱ قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود

مخبر - راپورت قلم چاپ شده است

در راپورتی که کمیسیون داده از دو قران تا پنج تومان است و از يك و دو قران تا پنج قران غلط است و در مطبوعه قلم چاپ شده است

در اینصورت تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات هم فرود اول تجاوز نخواهد کرد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنظر بنده همچو بنمایید که اصل عبارت غلط است

زیرا سند سجل احوال جعلی باید باشد جعلی نوشته شده است

اگر کلمه جعلی جعل شود بنده مخالفتی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده نمیدانم اگر کسی که ورقه سجل احوال جعل کرد یا ورقه جعلی را استعمال کرد اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

مخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای نتایج سوئی است که بآن واسطه آن شخص می خواهد بمنافعی برسد

دولت آن ثقل را جزو جنایات نقلی کرده بود و کمیسیون هم همینطور تصور کرد

والیه يك چنین شخصی با آن دزدی که حضرتعالی فرمودید هیچ فرقی نخواهد داشت

اصلاً وقتی که شما حاضر شدید دزد و متقلب را مجازات کنید دیگر در مملکت دزدی باقی نخواهد ماند و ما باید طوری بکنیم تا انشاء الله شاید ثقل و تزویر از مملکت ما بر طرف شود و از بین برود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

شاهزاده غلامحسین میرزا - اشکال بنده راجع بهمان عبارتی بود که آقای طهرانی متذکر شدند

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود (باین کیفیت خوانده شد)

ماده بیست و ششم - محس هائی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکنند بمناسبت تمکن و با رضایت کیفیت ارتکاب از فراد روزی ۲۱ قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود

مخبر - راپورت قلم چاپ شده است

در راپورتی که کمیسیون داده از دو قران تا پنج تومان است و از يك و دو قران تا پنج قران غلط است و در مطبوعه قلم چاپ شده است

رئیس - از دوقران تا ده تومان؟

مخبر - بلی از دوقران تا پنج تومان صحیح است

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در اینجا بطور مطلق مینویسد اگر محس از شش ماه تجاوز نکند قابل ابتیاع است بنده با محس مختلف است

مرتکبین اظهارات بموجب ماده بیست و پنجم شریک در جنایات هستند و این عمل يك عمل جنایت کارانه است وقتی که در این قضیه محکوم شدند باید محس شوند و این محس نباید قابل ابتیاع باشد در ماده بیست و پنجم مینویسد کسانی که سند سجل احوال جعلی یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال و اگر کسی در این مدت مجازات داشته باشد اگر کسی جعل کرد یا ورقه جعلی را استعمال کرد اینطور مجازات داشته باشد اگر کسی دزدی کرد چه مجازاتی خواهد بود؟

مخبر - البته جعل کردن ورقه سجل احوال یا استعمال کردن ورقه جعلی برای نتایج سوئی است که بآن واسطه آن شخص می خواهد بمنافعی برسد

دولت آن ثقل را جزو جنایات نقلی کرده بود و کمیسیون هم همینطور تصور کرد

والیه يك چنین شخصی با آن دزدی که حضرتعالی فرمودید هیچ فرقی نخواهد داشت

اصلاً وقتی که شما حاضر شدید دزد و متقلب را مجازات کنید دیگر در مملکت دزدی باقی نخواهد ماند و ما باید طوری بکنیم تا انشاء الله شاید ثقل و تزویر از مملکت ما بر طرف شود و از بین برود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

شاهزاده غلامحسین میرزا - اشکال بنده راجع بهمان عبارتی بود که آقای طهرانی متذکر شدند

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود (باین کیفیت خوانده شد)

ماده بیست و ششم - محس هائی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکنند بمناسبت تمکن و با رضایت کیفیت ارتکاب از فراد روزی ۲۱ قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود

مخبر - راپورت قلم چاپ شده است

در راپورتی که کمیسیون داده از دو قران تا پنج تومان است و از يك و دو قران تا پنج قران غلط است و در مطبوعه قلم چاپ شده است

باید از صبح تا شب فعلکی و عملکی کند و هائیه خود را نان بدهد آن آدم محکوم شد برای عمل نکردن بقانون سه روز محس حالا اگر این شخص را بردند و محس کردند در این سه روز عائله اش از گرسنگی خواهند مرد

حضرت والا اشخاصی را در نظرمی گیرند که اگر شش ماه محس شوند اهمیتی ندارد

عرض کردم برای کارهای جزئی که کمتر از سه جنایت است کمیسیون محس کمتر از شش ماه را قائل شده است و قابل ابتیاع البته آن کسی که کمتر چیز دارد قیمت حبس کمتر است

یعنی آن قسمتی که برای محس میدهد دوقران است و آنهایی که بیشتر دارند سه تومان و پنج تومان از آنها خواهند گرفت و آن قسمتی که فرمودند که يك قسمت باید همیشه محس باشد و يك قیمت باشد آن قسمتی را که در نظر حضرت والا است چه قابل ابتیاع باشد و چه نباشد هیچوقت محس نمیشوند ولو هر جنایتی را مرتکب شوند

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - بنده با اینکه باتمام مواد این قانون موافقم و عضو کمیسیون هم بوده ام ولی لایحه را که دولت برای قانون مجازات داده است اصلی که اتخاذ شده برخلاف محس قابل ابتیاع است و بنده هم مخالفم محس قابل ابتیاع را در اینجا قید کنم و عقیده دارم اصلاً این ماده باید حذف شود و در قانون مجازات عمومی مملکتی هم محس قابل ابتیاع را دولت از بین برده و نظر همه هم همین است که از بین برود

از این جهت بنده پیشنهاد کردم اساساً این ماده حذف شود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم مخالفم

مدرس - بنده توضیحی دارم اجازه بدهد توضیح بدهم

رئیس - شما هفتمی هستید جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفتند بلی)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسانی

بنده پیشنهاد میکنم ماده بیست و ششم بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۹ این طور اصلاح شود:

محس هائیکه بموجب این قانون مقرر است مطابق قانون مجازات عمل خواهد شد

رئیس - ماده ۲۷ (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده بیست و هفتم مأمورینی که مرتکب خطا و تقصیر شوند یا برخلاف مواد این قانون اقدام نمایند به مجازات های مذکوره در فقرات ۳ تا ۵ مواد قانون استخدام خواهند رسید و خساراتیکه در اثر اشتباه مأمورین سجل احوال متوجه اشخاص شود از طرف همان مأمورین باید جبران شود.
رئیس - مخالفی ندارد؟
آقای سید یعقوب - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
آقای سید یعقوب - بنده عرض میکنم که ما قانون برای سجل احوال مینویسیم نه برای مأمورین دولتی زیرا در قانون استخدام تکالیف مأمورین کشوری را معین کرده که مأمورین کشوری چه تکالیفی دارند و اینجاست که مأمورین کشوری است و جایش اینجا نیست
 اگر مأمورین کشوری تخلف کنند در قانون استخدام مجازاتشان معین شده است دیگر اینجا ازومی ندارد
مخبر - بله آنچه که نماینده محترم فرمودند صحیح است ولی اینجاست مأمورین کشوری را احاله داده ایم بقانون استخدام کشوری فقط چیزی که علاوه دارد بیاورد خواستیم این مسئله هم تأمین شود که آن مقصر یا خلاف کار باید جبران خسارت مردم را بکند و این در قانون استخدام پیش بینی نشده است
رئیس - آقای قائم مقام الملك (اجازه)
قائم مقام الملك - بنده در خصوص همین مسئله که آقا میفرمایند که هرگاه خسارتی از کسی بکسی برسد باید بدهد بنده با این مخالفم زیرا ممکن است يك مأموری ماهی پانزده تومان حقوق باشد و اشتبهاً يك خسارتی بمن وارد آورد هزار تومان آنوقت دولت که بمن چیزی بدهد
 این مأمور ماهی پانزده تومان رابه من تعویل میدهد و میگردد تو خسارت ترا از این بگیر
 این بیچاره که ماهی پانزده تومان بیشتر ندارد خسارت بنده از کجا باید داده شود
 باید يك ترتیبی داد که خسارت مرا کسی همده دار شود که بتواند از همده خسارت برآید نه اینکه متوجه يك بدبختی باشد که من باید مخارج او را هم بدهم
مخبر - مأمورینی که دچار خطب یا اشتباه شده باشند برای آنها مجازات معین نکردیم برای آنها که مرتکب تقصیر میشوند مجازات معین شده
 البته آن کسی که پانزده تومان حقوق دارد و مرتکب خطا میشود و هزار تومان حضرتعالی ضرر میزند بر حضرتعالی است

که جلوگیری بکنند ولی البته سهواً اشتباه همیشه در مقام خود معفو خواهد بود
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - این فرمایش آقا بنظر بنده چیز عملی است زیرا فرض بفرمائید در نتیجه ارتکاب خطب و خطا يك کسی پنج هزار تومان به يك نفر خسارت وارد آورد آن شخص را هم میفرمایند مأمور دولت است و پنجشاهی هم تحمل ندارد و آن پنج هزار تومانی که خسارت وارد آورده از طرف نماینده يك دولتی این خسارت وارد آمده و در حقیقت این شخص خسارتش از بین رفته
 یعنی آن مأمور ندارد که خسارت این شخص را بدهد دولت هم که نمیدهد و جزائی هم که برای این خطا معین نیست بنابراین بنده بانظریه آقای قائم مقام الملك موافقم
مخبر - این موضوعی که میفرمایند هنوز يك همچو قانونی که از طرف دولت جبران خسارت وارد بر مردم بشود وضع نشده است
 در صورتیکه هر کسی باعث وارد شدن خسارتی بر يك نفر بشود بایستی خودش از همده برآید
 ولی هنوز يك همچو قانونی وضع نشده که اگر مأمورین دولت خسارتی بکسی وارد آوردند دولت از همده برآید و چون يك همچو قانونی وضع نشده است خسارت وارده بر مردم همانطور بحالت خودش باقی است
 در اینجا هم نمیتوانیم این نظریه را تأمین کنیم که دولت خودش مسئول باشد و در کمیسیون هم مذاکره شده و نماینده دولت قبول نکرد که دولت از همده خسارت برآید
رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)
شیخ الرئیس - اصل اشکالی را که آقای قائم مقام الملك فرمودند آقای مخبر گویا ملتفت نشدند
 زیرا جواب غریبی دادند خیال کردند که آقای قائم مقام الملك دلشان برای آن کسی که پانزده تومان حقوق میگیرد سوخته خیر مقصود ایشان این بود که مردم این مؤسسات را مؤسسات دولتی میدانند و بنظر دولت نگاه میکنند و با اطمینان دولت با دارا - مراجعه میکنند
 دیروز بود که قانون علامت صنعتی در اینجا مذاکره بود و گفته شد که اگر يك کسی علامتی را که مال دیگری بود ضبط کند چقدر باید جرم بدهد
 در اینجا هم بهتر این است مافکر کنیم که اگر ضرری بر مردم خورد این ضرر از نقطه نظری دولت است زیرا اگر نظر به

دولت نبوده باشد من به آن شخص که مأمور دولت است يك کفاخذ صد دیناری هم اطمینان نمیکنم بدهم
 از این جهت دولت باید از همده خسارت برآید و از مرتکب مطالبه کند
 زیرا این ضرر به بنده از طرف دولت وارد شده
 لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که دولت باید از همده خسارت برآید و از مرتکب دریافت کند
 (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
 باید دولت از همده برآید و از مرتکب دریافت کند
رئیس - ماده بیست و هشت (بترتیب ذیل قرائت شد)
 ماده ۲۸ - مسئولیت سجل احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن در شهرها با اداره بلدیه یا نظمی و در قصبات با نایب الحکومه و در دهات با کدخدای است که بکمک مجرر شریعت و وظایف سجل احوال را انجام میدهد و در معالک خارجه بانمایندگان دولت است
 تبصره - مسئولیت سجل احوال ایالات بارتیس ایل و مباشرت آن با خوانین و کدخدایان ایل خواهد بود
رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)
رئیس - ماده بیست و نه (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۲۹ - حکام بوسیله مأمورین مخصوص و صاحبان معینان امینة دفاتر سجل احوال حوزه حکومتی خود را مرتباً نظارت وفتش نموده نواقص کار آنها را رفع مینمایند و مرتباً باید وزارت داخله را از جریان سجل احوال مطلع نمایند
رئیس - مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده سی (باین مضمون قرائت گردید)
 ماده سی ام - مأمورین سجل احوال در سال اول تأسیس شعب سجل احوال مکلفند که در هر دو ماه یکمرتبه اهالی آن محل را متذکر گرفتن اوراق هویت نموده و مجازاتهای مقرر را بوسیله اعلانات باهالی گوشزد نمایند
رئیس - ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - ماده سی و یک (بمبارت ذیل قرائت شد)
 ماده ۳۱ - وزارت داخله مأمور اجرای این قانون است که بلافاصله پس از تصویب وسایل اجرای آنرا فراهم آورده و پس از شش ماه شروع باجرا نمایند
رئیس - ایرادی ندارد

بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - شور اول تمام شد
 رأی میگیریم برود در شور ثانی
 آقایانی که ورود دوشور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 پیشنهاد طرح قانونی از طرف چهل پنجاه نفر آقایان رسیده است قرائت میشود و مجلس را معین فرمائید که بکجا باید مراجعه شود
 (بشرح ذیل قرائت گردید)
 مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه
 از آنجائی که نهم قوم و ملتی مستلزم آن است حتی الامکان اساس ملیت خود را بر پایه های ملیتیش استوار و از فشار های فرمی که بر مردم ایام بر اصول تاریخی ملی نشسته يك سازد
 بعقیده امضا کنندگان یکی از آنها اصلاح تاریخ ماه و سال ملی است که ایرانیان با وجود داشتن بهترین تاریخ شسی که معنی هر يك از آن ماهها کاملاً موافقت بمقتضیات فصل موجوده مملکت مینماید متأسفانه بر مردم ایام قهراً با بطل غیر معلوم دیگر از صورت اصلی خارج و گاهی به اسامی بی تناسب حیوانات و یا بروج آمیخته شده است
 فرضاً هم ذکر بروج در وقتی لزوم میباشد همان الفاظ معنی که از قدیم برای بروج مستعمل بود - برای حفظ آثار ملی و تاریخی بر صورت حاضر برتری و رجحان میداشت
 لهذا پیشنهاد مینمائیم که مجلس شورای ملی تصویب ماده واحده ذیل موافقت و دولت را مکلف فرماید از آغاز نوروز آینده تاریخ سال را از آن قرار مجری دارد
 ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب و دولت را مکلف باجراء مینماید که از آغاز نوروز ۱۳۰۴ آینده تاریخ رسمی سالنامه مملکت ایران را بترتیب سال های شسی قدیم از ماه فروردین شروع نموده و هر سال را با ماه اسفند که دوازدهمین ماه است خاتمه دهد
 مطابقاً در تمام دوائر دولتی اجراء و از ذکر سنوات ترکی و بروج معمول سابق احتراز نماید
رئیس - بکمیسیون داخله باید برود آقای یاسانی
یاسانی - بعقیده بنده چون طرح قانونی است باید برود بکمیسیون معینات بعد هم باید برود بکمیسیون معارف زیرا يك جنبه ادبی هم دارد و چیزهایی که جنبه ادبی دارد باید برود به کمیسیون معارف
رئیس - صحیح است - مراجعه میشود

بکمیسیون معینات
 شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - چون تقاضای فوریت با مطابق نظامنامه باید در اول کرد لهذا بنده تقاضای فوریت هم میکنم
رئیس - مخالفی دارد؟ (بعضی گفتند - خیر)
رئیس - آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 جلسه آتیه سه شنبه دستور هم لایحه مالیات تصاهدی آقای مشار اعظم (اجازه)
مشار اعظم - در تاریخ ۲۳ عقب طرح قانونی راجع به تشکیل کلاسهای علمی و صنعتی در مدارس ابتدائی تقدیم شد و از کمیسیون معارف هم گذشته بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافقت مینمایند جزء دستور جلسه آتیه شود
رئیس - دستور را قبلاً مجلس معین کرده است
 مشار اعظم - دوسه فقره اش گذشته است
رئیس - پس روز سه شنبه در این باب رأی میگیریم
 آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - بنده راجع بلایحه میزبانی پیشنهادی کرده بودم که روزهای شنبه را اختصاص باینکار بدهند تقاضا میکنم قرائت و در این باب رأی گرفته شود
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده عقیده دارم روزهای شنبه مخصوص شور در لایحه میزبانی باشد (اجازه)
 حائری زاده - تقریباً یکسال از عمر مجلس گذشته و دو کمیسیون قوانین مالیه عوض شده هنوز کمیسیون از ماده اول به ماده دوم نرسیده و این ترتیبی که کمیسیون این لایحه را میگذرانند در این مجلس نمیگردد چون این لایحه در مجلس سابق دو شور درش شده و آخر شور دوم بود که دولت آنرا استرداد کرد
 لهذا بنده عقیده دارم هفته يك روز اختصاص باین لایحه داده شود و در این موضوع رأی بدهند
 آقایان بعضی اعتراض دارند که بعضی معلمان زیاد و بعضی ها کم است در صورتیکه هر شکل این لایحه را بمجلس بیاورید
 این اعتراضات وارد است و تا این قانون هم از مجلس نگذرد تکلیف مردم و مأمورین مالیه معین نمیشود و معلوم نمیشود که آیا صد پنج ضرر دولت است یا شفع

دولت ما باید يك مدرک بدست دولت بدهم آنوقت اگر این مدرک بدست دولت داده شد و دولت دید صد پنج ضرر درش است يك صد يك اضافه پیشنهاد میکند و اگر دید ضرر مردم است يك صد يك کم میکند و لایحه اش را میاورد و از مجلس میگذرانند که مثلاً دولت از قنوت صد چهار باید بگیرد یا صد شش باید بگیرد
 بهرحال بلا تکلیف گذاردن این لایحه کار صحیحی نیست و بنده تقاضا میکنم این لایحه بیاید در مجلس مطرح شود و هفته يك روز برای اینکار معین شود تا از مجلس بگذرد
رئیس - آقای همداد السلطنه (اجازه)
 همداد السلطنه - اولاً با این اصلی که پیش آمده است که روز شنبه برای چکار و يك شنبه برای چکار بنده با این اصل مخالفم و حالاً میخواهم دلایل مخالفت خودم را راجع باین موضوع عرض کنم راجع بلایحه میزبانی که آقای حائری زاده اعتراض فرمودند که اگر این ترتیب باشد در دوره پنجم هم بمجلس نخواهد آمد این اعتراضات صحیح نیست
 زیرا اولاً علت اینکه در دوره چهارم این لایحه از دستور خارج شد برای این بود که در دوره چهارم مجلس تصویب کرده بود که يك متخصصینی از آمریکا بیایند باین جهت شما خواستید اینها هم در این لایحه نظری بکنند و در این مدت آن ها مطالعاتی کردند و نتیجه مطالعات آنها این شد که اگر آن لایحه میزبانی در دوره چهارم از مجلس میگذشت علاوه بر اینکه يك تعدیلی نمیشد يك کسرفاحش هم در مالیات ایجاد میشد باین جهت بود که يك لایحه میزبانی جدیدی تهیه کردند و آوردند بمجلس و بکمیسیون ارجاع شد و کمیسیون هم با تکمال جدید مشغول مطالعه است و اینطوری که جناب عالی تصور کرده اید نیست
 شور اول آنها تمام شده و در شور دوم در ماده اول که اساس این لایحه است چندین جلسه کمیسیون صرف وقت کرده است و اینکه میفرمائید در عمل به بیند صد چهار کم است صد پنج کنند یا صد پنج کم است صد شش بکنند
 در این مسئله يك تحقیقات عینی شده است دولت در يك ایالت یا ولایت با قاطعی که املاک را میز کرده اند آن میزبانیها را مدرک قرارداد داده و در کمیسیون ارزش آن میزبانیها که دولت ضرر کرده مشغول مطالعه است
 پیشنهادهای خیلی مختلفی هم شده و همان طور که آقای مشار اعظم توضیح دادند دیروز عصر هم با حضور نماینده دولت يك مذاکراتی در کمیسیون شد و تا مقداری از شب رفته در این باب مذاکره میگردند بالاخره قرار بطلور شد در نتیجه يك پیشنهادی

که اخیراً نماینده دولت کرد این موضوع را با آن میزبانیها که کرده اند مقایسه کنند و امروز عصر بیاورند اینجواب از مذاکره شود
 و اما اینکه بنده مخالفم قبل از اینکه این لایحه اساساً در کمیسیون بگذرد بیاید بمجلس و در مجلس مطرح شود برای این است که در صورتیکه يك کمیسیون دوازده نفری بتواند موفق با خذ يك نتیجه بشود آیا در مجلس ممکن است با این وضعیت و ترتیبات تصویب شود؟
 و علاوه لایحه میزبانی يك چیز آسان و معمولی نیست که بشود در يك جلسه آنرا بگذرانند این قانون سجل احوال یا قرار داد پستی و تلگراف نیست که در يك جلسه بگذرد شما میخواهید اساس مالیات يك مملکت را تغییر بدهید این اگر يك ماه یا چهار روز یا دو ماه دیرتر شود و طوری نشود که عوائد دولت کمتر از این شود و در نتیجه مالیات هم تعدیل شود و از روی عدالت گرفته شود بهتر است و هیچ اشکالی هم نخواهد داشت و در این صورت بایستی این فرمایشات را بفرمایند در هر صورت گمان میکنم
 بیش از يك ماه دیگر هم طول نکشد که این لایحه از کمیسیون گذشته و تقدیم مجلس شود آنوقت داخل در شور آن بشوند که نتیجه صحیحی گرفته شود
رئیس - عده برای رأی کافی نیست جلسه ختم میشود (مجلس تیساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك
 منشی
 منشی
جلسه صد و هفتم
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه ۲۳ برج جدی
۱۳۰۳ مطابق هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۴۳
 مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم جدی را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)
رئیس - آقای مدرس (اجازه)
مدرس - بنده قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - عرض بنده هم قبل از دستور است
رئیس - آقای ضیاءالواظنین (اجازه)
ضیاءالواظنین - قبل از دستور